

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد»

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتهادی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۸

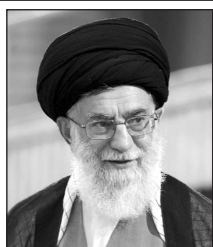
شماره مسلسل ۱۴۰۷

نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

رهبر انقلاب در دیدار اساتید و
کارشناسان تخصصی مهدویت:

تطبیق برخی علائم ظهور
بر اشخاص اقدامی غلط و
انحرافی است



صفحه ۱۲

گفت و گو با آیت الله دکتر
سید مصطفی محقق داماد رئیس گروه
مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم:

جامعه نقاد جامعه
متعالی است



صفحه ۹

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبنی:

دکانهای مرید پروری
ریشه برخی
نحله ها



صفحه ۱۱

صدوقی

امام جمعه

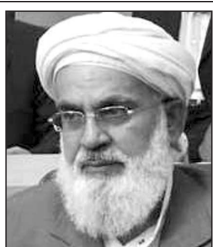
صدوق یزد



صفحه ۱۰

مولوی اسحاق مدنی:

دشمن در صدد
مصادره بیداری
اسلامی است

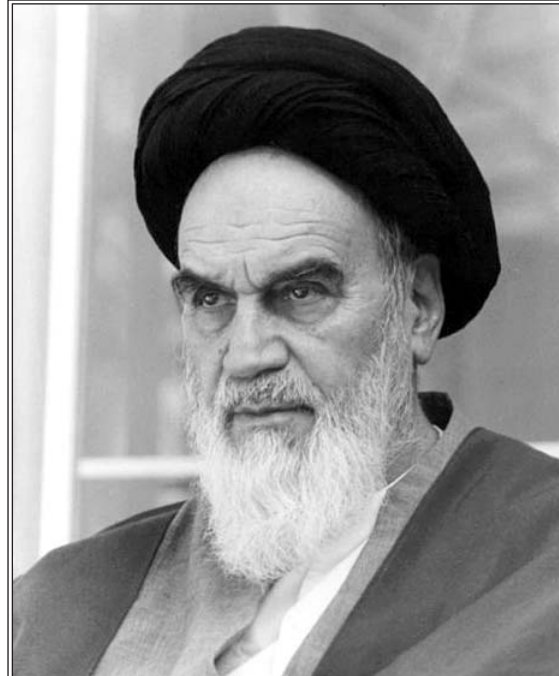


صفحه ۵

بیانیه مجمع تقریب به
منظور کمک رسانی به
آسیب دیدگان
نهیضت های اسلامی



صفحه ۵



طرح حکومت اسلامی در اندیشه
امام خمینی و سید قطب

صفحه ۶

ارادت مسیحیان به امام حسین (ع)

در زمان پدر امیر المؤمنین (ع) و برادر (امام حسن مجتبی (ع)) تابع امام زمان خود بودند و این را از پدر بزرگوارشان به ارث برده بودند که در زمان رسول الله (ص) تابع محض ایشان بودند و حتی خطبه نخواندند و سخنرانی نکردند. درس دیگر، درس آمادگی برای فداکاری در دفاع از اسلام و چشم پوشی از منافع شخصی و خانوادگی در برابر مصالح اسلام و امت اسلامی می باشد.

رابطه انقلاب ایران و حادثه عاشورا

وی در بخش دیگری از سخنان خود به رابطه انقلاب ایران و انقلاب امام حسین اشاره کرد و گفت: رابطه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب حسینی در عاشورا رابطه علت و معلول است و حادثه عاشورای امام حسین (ع) علت محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی ایران است و بنابراین وجه شباهت های فراوانی بین این انقلاب و حادثه عاشورا از جمله در اهداف، شیوه دفاعی و رهبری وجود دارد.

ارادت مسیحیان به امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین رئیس زاده علاقه و محبت ایرانیان به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را دارای ریشه دیرینه دانست و اظهار داشت: این علاقه و محبت به اهل بیت (ع) خصوصاً امام حسین (ع) اختصاص به شیعیان ندارد بلکه اهل سنت ایران و نیز اقلیت های دینی همچون مسیحیان ارادت ویژه ای به امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) دارند و در مراسم عاشورای حسینی نیز برخی از مسیحیان در مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان حضور یافته و نذر و نیاز می دهند.

رایزن فرهنگی ایران در بیروت گفت: علاقه و محبت به اهل بیت (ع) خصوصاً امام حسین (ع) اختصاص به شیعیان ندارد بلکه اهل سنت ایران و نیز اقلیت های دینی همچون مسیحیان ارادت ویژه ای به امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) دارند.

حجت الاسلام والمسلمین رئیس زاده در گفتگو با الکتور ابراز داشت: بر اساس دیدگاه عرفا، ماه های رجب و شعبان، ماه های آماده شدن برای ورود به ماه مبارک رمضان و ده روز اول و دوم رمضان، مقدمه ورود به لیل القدر است که برتر از هزار ماه می باشد بنابراین باید نسبت به اهمیت ماه شعبان توجه داشته باشیم و از مناجات شعبانیه و ادعیه و اعمال عبادی این ماه غافل نشویم تا به لیل القدر برسیم.

فرصتی طلایی که نباید از دست برود

وی با اشاره به مناسبت های مذهبی موجود در ماه شعبان، تأکید کرد: این مناسبت ها فرصتی طلایی برای آشنایی با سیره علمی و عملی اهل بیت (ع) هستند بویژه آن که در زمان حاضر، با توجه به تهاجم فرهنگی غرب به جامعه اسلامی بیش از پیش نیازمند به آشنایی و عمل به سیره امام حسین (ع) و سایر ائمه (ع) می باشیم.

درس هایی از امام حسین علیه السلام

معاون اسبق فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت افزود: متأسفانه یاد امام حسین (ع) بویژه در مراسم عزاداری منحصر به یادآوری حوادث کربلا و شهادت مظلومانه ایشان و اصحابشان در عاشورا شده است در حالی که سیره امام حسین (ع) درس های فراوانی برای ما دارد از جمله آنکه ایشان

شیخ الازهر در واکنش به سلفی ها:

شیعه جزء جدایی ناپذیر اسلام است



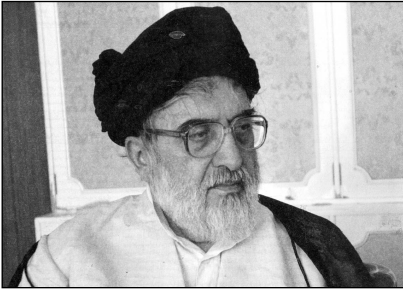
این مذهب را روشن کند.

امت اسلامی همواره تأکید داشته که رویکرد فراگیر علمای بزرگ جهان اسلام بر اصل وحدت می تواند زمینه وحدت مسلمانان و مقابله با توطئه دشمنان را فراهم آورد. امری که نتیجه آن حل مشکلات جهان اسلام در چارچوب وحدت میان فرق اسلامی است. در همین حال حزب الله لبنان با صدور بیانیه ای نسبت به موضع اخیر شیخ الازهر در خصوص حمایت از شیعیان و ضرورت تقویت روابط میان اهل سنت و شیعیان اعلام کرد: این مواضع راه را بر هر کسی که می خواهد میان مسلمانان تفرقه ایجاد نماید، می بندد. حزب الله با اشاره به اینکه موضع شیخ الازهر تنها راه مبارزه با توطئه دشمنان است، تأکید کرد: با غنیمت شمردن فرصت، ضمن حمایت از این موضع، بار دیگر همگان را به تقویت وحدت و یکپارچگی و حمایت از مقاومت با هدف اعتلای خواسته های مردم، حمایت از مقدسات آنها و بازگرداندن بزرگی و عزت، دعوت کنیم.

در مواضعی وحدت گرایانه شیخ الازهر ضمن تأکید بر نقش شیعه در جهان اسلام، وحدت میان دو بال امت اسلام (شیعه و سنی) در زمانی که اسلام در هجمه بیگانگان قرار گرفته را یک ضرورت دانست.

همزمان با تشدید تحرکات تفرقه افکنانه دشمنان جهان اسلام از جمله سلفی ها، دکتر شیخ احمد الطیب رئیس دانشگاه الازهر مصر با تأکید بر لزوم مقابله با این تفرقه افکنی ها گفت: مذهب شیعه اثنی عشری یکی از بزرگترین مذاهب اسلام بوده و پیروان این مذهب همانند سایر مسلمانان جهان مورد احترام الازهر می باشند. وی در گفت و گو با روزنامه "الوطن" کویت تصریح کرد: شیعه و سنی دو بال امت اسلام هستند و شیعیان ریشه در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند بنابراین نمی توان شیعیان را از اسلام جدا دانست.

شیخ الازهر ادامه داد: همانگونه که تعدادی از علمای اهل سنت و طلاب دینی اهل سنت در ایران تحصیل می کنند آمادگی پذیرش طلاب شیعه ایرانی در الازهر را داریم و مذاکراتی را نیز با برخی علمای بزرگ شیعه در ایران داشته ایم و قدم طلاب ایرانی در الازهر را گرامی می داریم. لازم به ذکر است این سخنان در پاسخ به سخنان شیخ احمد بن سعد بن حمدان الحمدان از علمای سلفی وهابی عربستان در چند روز گذشته است وی از الازهر خواسته بود با تکفیر شیعیان تکلیف جهان اسلام با



رسمًا اعلام کردم در برقراری روابط با مصر هروله نباید کرد! و خواستار آن شدم که اجازه دهند شرایط مساعدی که در راه است، پیش بیاید و بعد به ارتقای سفارت و اعزام سفیر اقدام شود. اما بعضی از دوستان نمی دانم چرا "عجله" به خرج دادند و حتی اعلام کردند که "شبانۀ حاضریم" سفارت را در قاهره باز کنیم! که البته سفارت، در قاهره باز بود و قائم بالاعمال - حافظ منافع - حضور داشت و فعال هم بود - این نوع اظهارات رسمی و مصاحبه های مکرر بعضی از مقامات مسوول و غیرمسوول درباره رابطه با مصر، باعث شد مصری ها، حتی پس از پیروزی انقلاب جوانان و سقوط حسنی مبارک هم شرط و شروطی برای گفت و گو درباره ارتقای روابط، مطرح سازند که نشان دهنده عدم تمایل قلبی آنان بود. در این رابطه، در ایران هم عده یی بشدت با تغییر نام خیابان "خالداسلامبولی" مخالفت ورزیدند، در حالی که روابط ۱۵۰ میلیون مسلمان را که در صورت تفاهم، می توانند تحولات کل منطقه را مدیریت کنند، نمی توان به نام یک فرد در یک خیابان وابسته کرد!!!

اصولا دوستان ما در ایران شناخت دقیقی از "جماعت اسلامی" مصر ندارند! اکثر اعضای این گروه سلفی - از نوع طالبانی - هستند و شیعه را "رافضی" می دانند و تا حد تکفیر، پیش رفته اند و کتاب هایی علیه شیعه و امام خمینی (ره) نوشته اند و حتی کتاب منحوس "لله ثم للترایخ" را چندین بار در مصر تجدید چاپ کرده و بطور رایگان توزیع نموده اند که هزینه آن را هم آل سعود پرداخته است. بنابراین باید با عقلانیت با مسائل برخورد کرد. اگر روزگاری نام خالداسلامبولی در یک خیابان تهران، مبارزه یی برضد رژیم حسنی مبارک محسوب می شد، امروز آن برداشت مثبت از این مساله حتی در مصر هم، مطرح نیست تا آنجا که بعضی از کسانی که متأسفانه بدون کارشناسی منطقی، به ایران دعوت شدند و آمدند، به این امر اعتراض داشته اند، بنابراین نباید سعی کنیم بخاطر یک نام در یک خیابان، دو ملت مسلمان و بزرگ را از هم دور نگه داریم. از سوی دیگر دوستان ما ظاهرا خبر ندارند که شیخ کرم زهدی، رئیس مجلس شورای جماعت اسلامی، پس از آزادی از زندان، توسط حبیب العدلی، وزیر امن الدوله مبارک، در مصاحبه یی در برنامه رادیویی "الحیات و الناس" اعدام انورسادات را اشتباه و مردود دانست و در ۱۵ جولای ۲۰۰۳ در هفته نامه "الیم السایع" چاپ قاهره متأسفانه سادات را "شهید" نامید: الرییس محمد انورالسادات مات شهید!!!

البته عبودالزمر، پس از تحمل ۳۰ سال زندان و برادر ایمن الظواهری که هر دو اخیرا آزاد شدند، با شیخ جماعت هم عقیده نیستند، ولی اصرار دوستان ما برای حفظ نام کسی که جماعتش سادات را شهید می نامد، بر تارک یک خیابان در تهران، در شرایط کنونی مصلحت نیست، چه مصر بخواهد و چه نخواهد. از طرف دیگر تمایل و رغبت شدید بعضی از دوستان برای برقراری روابط قبل از تشکیل حکومت ملی و غیرنظامی هم دور از حکمت و عزت و مصلحت است. باید پس از ۳۰ سال، سه ماه دیگر هم صبر کنیم تا انتخابات قانونی به عمل آید و بعد اقدامات شروع شود.

منبع روزنامه اعتماد ۹۴/۸

معروف درباره شیعه - به ایران آمدند و با مقامات مسوول و علمای قم ملاقات کردند که اثر مثبت و واکنش وسیعی در مصر داشت. اما متأسفانه حاکمیت دیکتاتوری، پیشنهادهای سازنده آنان را مانند بقیه اقدامات منتفی ساخت و فقط روابط در سطح موضوع تقریب بین مذاهب اسلامی و فعال شدن "دارالتقرب" در قاهره، با ریاست شیخ محمود عاشور، ادامه یافت.

روی کار آمدن کدام گروه مصری می تواند به ارتباط دو کشور کمک کند؟

اشاره کردم که حکومت وحدت ملی که قاعدتا متشکل از نمایندگان احزاب رسمی قدیم و جدید مصر خواهد بود، خود در این زمینه پیشگام خواهد شد بویژه که باید در نظر داشت آخوان المسلمین نیرومندترین و بانفوذترین سازمان سیاسی در مصر، در همه زمینه ها همواره از ایران اسلامی دفاع کرده و خواستار برقراری روابط بوده است، اما چون اخوان در زمان حسنی مبارک یک سازمان غیرقانونی! به شمار می رفت، نمی توانست منشا اثر باشد و اکنون، با تشکیل رسمی حزب سیاسی آزادی و عدالت "بی تردید اکثریت قابل توجهی در مجلس یا اعضای در کابینه خواهد داشت، که تاثیر مثبت آن در تصمیم گیری برای برقراری روابط کامل، قابل تردید نیست، یعنی کمک بسیاری برای این امر خواهد کرد. البته من در دیدارهای مکرر، با رهبران اصلی سازمان - مرشد عام - از جمله شیخ عمر التلمسانی، شیخ حامد ابوالنصر، شیخ مصطفی مشهود، شیخ مامون الهضیبی و دیگر کادرهای مرکزی مانند دکتر ابوالفتح، دکتر حبیب عزت، دکتر عصام العریان و... همواره با اشتیاق قلبی آنان برای ایجاد روابط با ایران، روبرو بوده ام و آنها از روی عقیده و ایمان، همیشه خواستار این امر بوده اند و ان شاءالله با روی کار آمدن دولت قانونی این کار عملی خواهد شد.

بزرگ ترین مانع برقراری روابط ایران و مصر را در چه می دانید؟

حاکمیت های وابسته انورسادات یا حسنی مبارک که در واقع از خود اختیاری نداشتند و در همه امور دنباله رو سیاست های امپریالیسم غربی بویژه امریکا بودند، بزرگ ترین مانع برقراری روابط بین این دو کشور بزرگ اسلامی بودند. البته از سویی هم کمک های مالی میلیاردی غرب به این رژیم منحوس، عامل بازدارنده دیگری بود که اینها را وادار می کرد برای ادامه دریافت کمک ها، از برقراری روابط با ایران خودداری کنند و اکنون نیز همان مشکلات وجود دارد، به اضافه خباثت و شیطنت آل سعود که با سرازیر کردن کمک های میلیاردی، می خواهد از تحقق این امر، که بی تردید به زیان ارتجاع عرب خواهد بود، جلوگیری کند و در همین راستا با تقویت همه جانبه سلفی های وهابی در مصر می خواهد از تقریب بین مذاهب اسلامی و اتحاد برادران مسلمان شیعه و سنی و هماهنگی سیاست های آنها در منطقه، جلوگیری به عمل آورد، اما خداوند کید ماکرین را خنثی خواهد کرد و وعده الهی تخلف ناپذیر است و سرانجام حق پیروز خواهد شد.

چه پیشنهاد کلی درباره روش های همکاری و نزدیکی با مصر دارید؟ یعنی بطور مشخص مسوولان سیاست خارجی ایران اسلامی چه باید بکنند؟

اینجانب با شناخت دقیق مصر از درون، چند ماه قبل از انقلاب جوانان، با وجود تمایل بعضی ها برای برقراری روابط عجولانه با مصر و حتی پیشنهاد دعوت برای سفر حسنی مبارک به ایران، با رفتن آقای احمدی نژاد به قاهره، شدیداً با این امر مخالف بودم و در جراید و مطبوعات شش ماه پیش،

تلاش برای برقراری رابطه با مصر؟!!

در تغییر این مسیر همراه خود داشته باشد. باید صبر کنیم تا پس از انتخابات آینده و روی کار آمدن یک دولت مدنی - دموکراتیک (شامل همه جناح ها و احزاب قانونی مصر) باب مذاکره باز شود. تقویت همه جانبه سلفی های وهابی در مصر می خواهد از تقریب بین مذاهب اسلامی و اتحاد برادران مسلمان شیعه و سنی و هماهنگی سیاست های آنها در منطقه، جلوگیری به عمل آورد. بعضی از دوستان نمی دانم چرا "عجله" به خرج دادند و حتی اعلام کردند که "شبانۀ حاضریم" سفارت را در قاهره باز کنیم! که البته سفارت، در قاهره باز بود و قائم بالاعمال - حافظ منافع - حضور داشت و فعال هم بود.

ایران و مصر چه گام هایی برای ایجاد و برقراری ارتباط باید بردارند؟

مانع برقراری روابط کامل بین دو کشور، حاکمیت وابسته و آلوده حسنی مبارک بود که متأسفانه یاران ژنرال او، هم اکنون و همچنان حاکمیت را در اختیار دارند. به نظر من باید صبر کنیم تا پس از انتخابات آینده و روی کار آمدن یک دولت مدنی - دموکراتیک (شامل همه جناح ها و احزاب قانونی مصر) باب مذاکره باز شود و بی تردید حکومت آینده مصر، خود در این راستا پیشگام خواهد بود. با شناخت عینی که من از رهبری احزاب چپ و راست مصر دارم، اکثریت قریب به اتفاق آنها، آمادگی کامل برای برقراری روابط دارند و در گذشته به علت خفقان دیکتاتوری حسنی مبارک، نمی توانستند در این راستا گامی بردارند، اما در صورت تشکیل یک حکومت ملی، اکثریت اعضا آن در این زمینه اقدام خواهند کرد.

برای نمونه می توانم اشاره کنم که آقای عمروموسی وزیر خارجه اسبق مصر، در دوران اقامت اینجانب در قاهره، در ملاقات های رسمی و غیررسمی متعدد، تمایل و علاقه وافری برای برقراری روابط حسنه بین دو کشور اظهار می کرد ولی متأسفانه قدرت تصمیم گیری در این زمینه در اختیار او نبود، بلکه حسنی مبارک تصمیم گیرنده اصلی بود و او هم در دست در اختیار سازمان امنیت مصر و ژنرال عمرسلیمان و سرهنگ حبیب العدلی (وزیر امن عام) بود و آن دو هم به علت روابط تنگاتنگ با اسرائیل و امریکا، نمی توانستند برخلاف تمایل آنها اقدامی به عمل آورند بلکه هرگونه اقدام مثبت هر جناح یا شخصیتی را هم خنثی می کردند. البته به این نکته هم باید اشاره کنم که اغلب یا همه مسوولان مصری در ملاقات ها تمایل شدید خود را برای برقراری روابط کامل و مبادله سفیر اظهار می کردند و اتفاقاً در دو ملاقات رسمی که با آقای محمد العربی، وزیر امور خارجه کنونی مصر داشتم، و او در آن ایام از معاونین و همکاران نزدیک آقای عمروموسی بود، ایشان نیز این تمایل را ابراز می داشت، ولی بی شک الان نمی تواند آن موضع را اعلام کند و نباید هم توقع داشت که وزیر رسمی حکومت ژنرال ها، بتواند گام مثبت و موثری در این راستا بردارد. از همه جالب تر موضع کاملاً مثبت شیخ طنطاوی، رئیس الازهر و شیخ فرید واصل، مفتی اعظم مصر و شیخ احمد الطیب، شیخ فعلی الازهر و رئیس سابق دانشگاه الازهر بود که در دیدارهای خصوصی یا همراه علما و هیات های ایرانی، آرزوی تحقق این امر را داشتند و در همین راستا، پس از مذاکراتی که به عمل آمد، شیخ محمد عاشور، قائم مقام شیخ الازهر و شیخ فرید واصل مفتی مصر و هشت نفر دیگر از شخصیت های برجسته الازهری و مجمع البحوث الاسلامیه، برای شرکت در کنفرانس بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت - صاحب فتوای

این روزها مقامات ایران و مصر برای برقراری ارتباط دو کشور سخنانی می گویند. هرچند که عملاً شاهد برداشتن گامی جدی در راستای بهبود و از سرگیری روابط دو کشور نیستیم اما به نظر می رسد مقامات ایران و مصر حداقل در اظهارنظرهای رسمی، خود را مشتاق و آماده سفر به کشور دیگری نشان می دهند. البته به نظر می رسد ایران برای این امر عجله بیشتری دارد تا جایی که محمود احمدی نژاد حتی قبل از آغاز جنبش مردمی مصر و سرنگونی حسنی مبارک گفته بود که "حاضر است همین فردا هم سفارت ایران در مصر" را بازگشایی کند. اخیراً محمد العربی، وزیر جدید امور خارجه مصر نیز بر ارتباط با ایران تاکید کرد.

به اعتقاد استاد سیدهادی خسروشاهی، رئیس سابق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره در برقراری ارتباط با مصر نباید عجله کرد و بعد از ۳۰ سال عدم ارتباط با مصر باید سه ماه دیگر منتظر ماند تا انتخابات قانونی در این کشور برگزار شود و بعد از آن اقدامات لازم انجام شود. او شیطنت آل سعود و افراد وابسته به انورسادات، رئیس جمهور سابق مصر و کمک میلیاردی غرب به این فرد را بزرگ ترین مانع برقراری ارتباط دو کشور می داند و از سوی دیگر معتقد است که تمایل و رغبت شدید بعضی از مقامات ایران دور از حکمت و عزت و مصلحت است.

آنچه در پی می آید گفت و گوی "اعتماد" با استاد سیدهادی خسروشاهی، سفیر سابق ایران در واتیکان و رئیس پیشین نمایندگی جمهوری اسلامی در مصر است.

در حال حاضر روابط مصر و ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر می رسد روابط سرد دوره مبارک، همچنان ادامه دارد چرا که حاکمان کنونی در آن کشور، ژنرال های حسنی مبارک هستند و تغییر ماهوی در سیاست کلی کشور به وجود نیامده است و با وجود حاکمیت کنونی، نباید انتظار بهبود روابط را داشته باشیم... و البته در این زمینه ایران اسلامی هم نباید "تعجیل" داشته باشد بلکه با رعایت اصول اساسی سیاست خارجی نظام، یعنی عزت، حکمت و مصلحت، باید در انتظار فرصت لازم بود تا با احترام متقابل بتوان بر سر میز مذاکره تحسین روابط نشست.

پس از سقوط مبارک بعضی دوستان برای ارتقای روابط تلاش کردند که متأسفانه با واکنش های سرد و منفی وزیر خارجه، احمد ابوالمغیط روبرو شد که این موضع گیری کاملاً قابل درک بود، چون حاکمیت در مصر تعویض نشده بود و من تعجب می کنم که دوستان چرا به این نکته توجه نکردند.

به نظر شما روابط ایران و مصر چه تاثیراتی می تواند در روند تحولات و صلح خاورمیانه بگذارد؟

شکی نیست که ایران و مصر، دو کشور عمده و مهم در منطقه هستند که با توجه به شرایط خاص و تعداد جمعیت و موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، می توانند در صورت ایجاد روابط محکم، سالم و منطقی فیما بین، تاثیرات بسیاری در روند تحولات منطقه داشته باشند، اما درباره "صلح خاورمیانه" اگر مراد همان طرح و برنامه موجود باشد که بی تردید ایران نمی خواهد و نباید در آن دخالتی داشته باشد، چرا که طرح موجود در مرحله نخست شامل به رسمیت شناختن رژیم غاصب صهیونیستی است که ایران اسلامی از اساس با آن مخالف است، بنابراین درباره طرح موجود نباید ایران نقشی داشته باشد بلکه پس از برقراری روابط، باید مصر را نیز



اینکه مثل بقیه به آنها دشنام نداده‌ام و دیگر اینکه به نظرم اینها یک پتانسیل داشتند و این پتانسیل نباید از بین می‌رفت. به خصوص که احساس می‌کردم محیط نیز به آنها ستم می‌کند و مادام که در زندان هستند این جوانمردی نیست که به آنها حمله شود. کسانی که بر اساس مقالات ماهانه شما در مجله العربی کویت تربیت شده‌اند و کسانی که به مقالات هفتگی شما در الاهرام عادت کرده بودند یا کسانی که مقالات روزانه شما را در الشروق دنبال می‌کنند، می‌گویند بین آن فهمی هویدی ماهانه یا آن هویدی هفتگی و این هویدی روزانه تفاوت‌های زیادی وجود دارد.

البته در مقالات ماهانه‌ای که من خارج از مصر می‌نوشتم با آنچه امروز می‌نویسم باید تفاوت داشته باشد. من هرگز تصور این روزها را نیز نداشتم و فکر می‌کردم که این حرکت بسیار کند خواهد بود. از این رو به صورت طبیعی کار کردن با یک ماهنامه و مکانی که در آن زندگی می‌کردم، چنین چیزی را اقتضا می‌کرد. بنابراین دایره توجه من گسترده‌تر می‌شد و فراتر از مصر یا یک کار هفتگی و روزانه می‌رفت. به نظر من مقاله هفتگی مثل یک سفره است و مقاله روزانه مثل یک سینی. مقاله هفتگی مرا خسته می‌کند.

در زمان عبدالناصر، استاد هیکل نویسنده رییس‌جمهور و یگانه نویسنده او بود. در زمان انورسادات این وظیفه را استادانیس منصور برعهده داشت، ولی مبارک به خواندن یا نوشتن اهمیتی نمی‌داد. آیا فهمی هویدی در کتاب‌های خود به اندیشه‌های این روسای جمهور خواهد پرداخت؟ صریح بگویم، من علاقه‌ای به روسا ندارم و آنها را هم نمی‌شناسم، آنها هم مرا نمی‌شناسند. در این سال‌های گذشته وقتی آنها با روزنامه‌نگاران جلسه‌ای داشتند مرا دعوت نمی‌کردند و هنگامی هم که دعوت می‌کردند از این کار خوشم نمی‌آمد و شرکت نمی‌کردم. واقعیت این است که من از دکتر زکی نجیب محمود آموخته‌ام بی‌نیاز باشم و هرگز احتیاجی به مدیر یا رییس نداشته باشم. معنای این حرف آن نیست که من ثروتمند هستم یا نیازی به کسی ندارم. نه، در واقع بلندپروازی‌های آنچنانی ندارم و معتقدم اگر از طریق قلمت بزرگ باشی بهتر است تا از طریق صندلی یا وجهه یا ثروت بزرگ شمرده شوی.

شیوه و اندیشه و شخصیت تان طوری شما را ساخته که برای خود سبکی در روزنامه‌نگاری دارید؛ شخصیتی که مستغنی از پست‌ها و چیزهای دیگر است، اما چنین شیوه‌ای را در بین بسیاری از روزنامه‌نگاران نمی‌بینیم. چرا نسل‌های بعدی به این چیزها فکر نمی‌کنند؟ من خودم تا به حال به این موضوع فکر نکرده بودم، چون واقعا مشغول همان حقیقتی هستم که اعتقاد دارم باید آن را پیگیری کنم و این برای من یک چالش واقعی بوده است. مهم‌ترین مساله برای من بهیود کارم بوده است. من خودم می‌دانستم که چه جایگاهی دارم و از چه حرف می‌زنم. من تنها یک به یادآورنده (ذاکر) هستم، غیر از این کاری در زندگی ندارم و جز خواننده‌ام به چیز دیگری فکر نمی‌کنم.

منبع: الاهرام

را بر مطبوعات تحمیل می‌کند. بعد آنها می‌شوند الگو و دیگر تصمیم‌گیری در اختیار آنهاست. تحریریه را آنها تعیین می‌کنند و به انتخاب جامعه یا آن حرفه نیست. اعضای این تحریریه به وسیله دولت یا نیروهای امنیتی تعیین شده‌اند؛ بنابراین آنها تعهدی نسبت به خواننده ندارند. آنها به کسی تعهد دارند که انتخاب‌شان کرده است.

در دهه‌های ۹۰ و ۸۰ بسیاری، شما را نویسنده اسلام‌گرا معرفی می‌کردند. در دهه ۹۰ شما به یک نویسنده یا متفکر سیاسی تبدیل شدید. صرف‌نظر از این تصورات غلط یا درست، بگویند قلم فهمی هویدی به چه چیزی بیشتر تمایل دارد؟

من در این باره نظر دیگری دارم. هیچ‌کس را این طور دسته‌بندی نمی‌کنند که بگویند متفکر. وقتی کسی را می‌گویند متفکر، فوراً از چشم من می‌افتد. این مردم هستند که شما را دسته‌بندی می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌داند متفکر یعنی چه. به چه فکر می‌کند؟ یک بار ما در جایی بودیم و می‌گفتند فلانی متفکر اسلامی است. یکی درآمد و گفت، پس این یکی متفکر غیراسلامی است. در این کشور برچسب‌هایی هست که همیشه افراد را تعقیب می‌کنند. من در ۶۰ سالگی در زندان بودم یعنی سال ۱۹۵۴، چون پدرم جزو گروه اخوان المسلمین بود. دو سال را در زندان گذراندم و از همان زمان نامم در فهرست امنیتی دولت رفت که من یک اخوانی هستم و تاکنون همین در ذهن‌ها باقی مانده است. درحالی که من از یک خانواده مصری معمولی بودم، یعنی برای مثال من حتی یک روز هم به طور رسمی عضو اخوان المسلمین نبوده‌ام. البته من از این شیوه تربیتی و محیط فرهنگی تاثیر پذیرفته‌ام. هر نویسنده‌ای به هر حال روش کار خودش را دارد. من قصد چنین کاری را نداشتم و نمی‌خواستم وارد آن شوم. دوستانم یعنی سمیر صبحی و محمود المراغی و دیگران مرا وارد این کار کردند. من در مجله دانشکده حقوق قلم می‌زدم و به طور تصادفی به این حرفه کشیده شدم. این تصادف چه بود؟

ما در خانواده فامیلی داشتیم که نام او دکتر فهمی بود. برای همین گمان می‌کردند، هر فهمی‌ای باید دکتر باشد. به این خاطر من وارد رشته علمی شدم. حتی کسانی می‌خواستند مرا وارد دانشکده دامپزشکی کنند اما من نپذیرفتم و وارد دانشکده حقوق شدم؛ جایی که از آن وزرا، سفرا و دولتمردان خارج می‌شدند. پس از آنکه از زندان آزاد شدم داماد ما در مجله "آخرساعه" کار می‌کرد. او به من گفت، الاهرام دارد یک مرکز تحقیقات تاسیس می‌کند، می‌روی آنجا کار کنی؟ من هم موافقت کردم و از اینجا بود که کار حرفه‌ای من شروع شد.

اما بعضی همچنان شما را در ردیف نویسندگان اخوان المسلمین می‌دانند؟

من رد نمی‌کنم که تمایلات دینی دارم، به خاطر پدرم و خانواده‌ام. اما از ۳۰ سال گذشته تاکنون من احساس می‌کردم این انصاف نیست که اخوان المسلمین در زندان شکنجه شوند و در چنین حالتی به آنها حمله هم شود. حالا وقتی اخوان حزب خود را تاسیس کند و فضا باز شود، آن وقت می‌توان حرف زد و من از این بابت خوشحالم. در عین حال زمانی بوده که من از لیبرال‌ها و دموکرات‌ها بیش از اخوان دفاع کرده‌ام. از سویی وقتی برخی اعضای اخوان با عمر سلیمان جلسه گذاشتند من به آنها حمله کردم. من در طول این سال‌ها فقط دو کار درباره آنها نکرده‌ام؛ یکی

فهمی هویدی و مصر

ترجمه: محمدعلی عسگری

روزنامه‌نگاران، پزشکان، بازرگانان و کارگران کجا هستند؟ اینها همان‌هایی هستند که ما انتظار تحرک را از آنها داریم.

افراد زیادی خود را برای ریاست‌جمهوری نامزد کرده‌اند. این مساله برای شما بیشتر حیرت‌انگیز است یا طبیعی؟ چون ما از یک زندان ۳۰ ساله خارج شده‌ایم. نتیجه این کار چیست؟ به خصوص اینکه هیچ کدام با دیگری تفاوت فاحشی ندارند.

تعداد زیاد برای من نگران‌کننده نیست. در ژاپن پس از جنگ جهانی دوم ۴۰۰ حزب تشکیل شد ولی از آن همه الان فقط چهار حزب باقی مانده است. در پرغال ۹۰ میلیون حزب تشکیل شد و در تونس که جمعیتی معادل ۱۰ میلیون دارد؛ بیش از ۱۸ حزب دست به فعالیت زده‌اند. هر فرازی، فردی دارد و جامعه در نهایت اینها را "غربال" می‌کند. در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری هنوز شرایط اعلام نشده است؛ بنابراین هرکسی می‌خواهد آنچه را در ذهن خود دارد، تحقق بخشد. یکی می‌خواهد شریعت را اجرا کند و دیگری مردم شهرش، او را دوست دارند، به همین دلیل خودش را نامزد کرده است. اینها مهم نیست. **آیا رییس‌جمهوری را که فهمی هویدی می‌پسندد، در میان این جماعت وجود دارد؟**

این پرسش دشواری است. هنوز این صحنه کامل نشده است. شخصیت‌های بزرگی هستند. بعضی‌شان دوستان من هستند. اما گمان می‌کنم ما به وقت بیشتری احتیاج داریم تا از بین آنها برترین را انتخاب کنیم. چرا زودتر داوری کنیم. این بهتر نیست که پس از انتخابات پارلمان، ببینیم کسانی از آن بیرون آمدند که هیچ کدام‌شان را نمی‌شناسیم؟ ما هنوز خوب این کشور را نمی‌شناسیم. شما فقط به نخبه‌ها نگاه می‌کنید. ما نخبگانی داریم که همیشه و همه جا هستند اما این نخبگان، ویرترین واقعی ملت مصر نیستند.

آیا معنای این حرف‌ها، این است که به نظر شما هیچ کدام شایستگی برعهده گرفتن چنین مسوولیتی را ندارند؟

اگر دو یا سه تا با هم قاطی شوند، ممکن است چیز خوبی از کار درآید. تردیدی وجود ندارد که هرکسی مزایایی دارد، اما من می‌خواهم پرداختن به تعیین این فرعون (پادشاهی بعدی) به تعویق افتد. آن چیزی که درحال حاضر برای من اهمیت دارد، جامعه است. افرادی که الان هستند از پیش بوده‌اند. ما کسی یا کسانی می‌خواهیم که بهتر از اینها باشند.

هر از چند گاهی شما از "گمراه کردن رسانه‌ای" صحبت می‌کنید. نظر شما در این باره چیست و آیا منظور تان رسانه‌های مستقل یا خصوصی است؟

شما می‌دانید که من خودم الان در یک روزنامه خصوصی کار می‌کنم، اما چیزی که می‌خواهم بگویم، این است که در گذشته از هم پیمانی قدرت و ثروت صحبت می‌کردند، الان از هم پیمانی تجار و رسانه‌ها. به نظر من الان بازرگانان به قدرت رسانه‌ها پی برده‌اند. به خصوص رسانه‌های مکتوب و قابل رویت. اخیراً شنیده‌ام که ۲۵ کانال تلویزیونی در حال تاسیس هستند.

به نظر شما بیماری‌های روزنامه‌نگاری بومی ما در چیست؟

این بیماری‌ها را بارها گفته‌ام. بیماری اصلی آنها، سیاست است. روزنامه‌های بومی توان حرفه‌ای خوبی دارند، اما سیاست می‌آید و خودش

اشاره: آنچه می‌خوانید گفت و گوی صمیمانه سه نفر از اعضای تحریریه روزنامه الاهرام با فهمی هویدی، نویسنده نام‌آشنای مصر است؛ کسی که بیشتر از او به عنوان یک روزنامه‌نگار اسلام‌گرا یاد می‌شود و به قول خودش مطالبش را گاه در ۲۰ کشور به صورت همزمان منتشر کرده و می‌خوانند. هویدی (متولد ۱۹۳۷) همواره در نوشته‌هایش نگرشی تحلیلی و دقیق به حوادث و سنجشی منطقی از تحولات داشته است. از آن گذشته زبان نرم و روان و در عین حال مودبانه او، تحسین خوانندگانش را برمی‌انگیخته است. در این مصاحبه، وی ابتدا از مصر و تحولات جاری این کشور از جمله مساله انتخابات، قانون اساسی و ریاست‌جمهوری می‌گوید و در نهایت به خودش می‌رسد. زندگی حرفه‌ای او به عنوان یک روزنامه‌نگار مصری و فرامنطقه‌ای عرب از جذاب‌ترین بخش‌های این مصاحبه می‌تواند باشد.

بیش از صد روز از دوران حکومت عصام شرف می‌گذرد. شما دستاورد این حکومت را چگونه می‌بینید؟

حکومت ضعیفی است و این ضعف به دو موضوع برمی‌گردد: یکی ضعف خود حکومت و دیگری شورای نظامی. گاه اتفاقاتی می‌افتد که می‌بینی اشتباه است یا نوعی لغزش در حکومت به حساب می‌آید؛ اما دقیق‌تر که می‌شوی، می‌بینی این عملکرد دولت نیست بلکه به شورای نظامی مربوط بوده است.

با وجود آنکه عصام شرف از میدان‌التحریر به قدرت رسید اما برخی پیرامون نقش این حکومت حرف‌هایی دارند و می‌گویند؛ او مرد این مرحله انتقالی نیست. نظر شما چیست؟

بین مرد انقلاب بودن و مرد دولت بودن تفاوت هست. او مرد انقلاب است؛ اما مرد دولت نیست. مرد انقلاب به خواسته‌های مردمی انقلابی فکر می‌کند؛ اما مرد دولت حساب‌های دیگری دارد. این درست نیست که نخست‌وزیر در آفریقای جنوبی بگوید، من با تدوین قانون اساسی پیش از هرچیز موافقم. این درست نیست و من از آن به تندی انتقاد کردم و گفتم باید بین کسی که روی صندلی نخست‌وزیری می‌نشیند با کسی که در قهوه‌خانه می‌نشیند و حرف می‌زند تفاوت قایل شد. وقتی شما در قهوه‌خانه می‌نشینید هرچه را بخواهید، می‌گویید. اما زمانی که روی صندلی نخست‌وزیری می‌نشینید، کلام شما کلام حکومت است. زبان دولت باید متفاوت باشد.

چرا دولت با پرونده‌های امنیتی با جدیت برخورد نمی‌کند؟

این پرسش مهمی است. امنیت همچنان خدشه‌دار می‌شود. نخست‌وزیر چند روز پیش به روزنامه الاهرام گفت: خلااً امنیتی وجود داشت و افسرانی که به خاطر شکنجه تحت محاکمه قرار گرفته‌اند، فردا به دادگاه خواهند رفت و عصر هم می‌روند سرکارهای خودشان. ولی این چطور ممکن است؟ یکی از افراد در بنی‌سویف نزد من آمد و گفت ۵۰ هزار لیره به یکی از شاهدان پیشنهاد داده‌اند تا حرف‌هایش را عوض کند. این افسران به طور قانونی، متهم به ارتکاب قتل هستند و باید بازداشت شوند. کدام روستایی هست که چنین مبالغه‌ای را رد کند. به خصوص در شرایطی که همین افسران به کار خود ادامه می‌دهند. الان مشکلاتی هست و جز با یک تحرک اجتماعی نمی‌توان آنها را حل کرد. سندیکای وکلا کجا هستند؟ من الان به آنها احتیاج دارم. سندیکای

پیام تسلیت مجمع تقریب به مناسبت درگذشت دکتر احمد عبدالرحیم السایح

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی پیامی، درگذشت اندیشمند و متفکر بزرگ مصری مرحوم دکتر احمد عبدالرحیم السایح را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: "مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با نهایت تأسف و تأثر درگذشت اندیشمند و متفکر بزرگ مصر مرحوم دکتر احمد عبدالرحیم السایح" عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را به خانواده و تمامی دوستان آن فقید سعید تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن فقید سعید، رحمت و برکات خداوند مسألت می‌نماید."

مرحوم دکتر احمد عبدالرحیم السایح در

سال ۱۹۳۷ میلادی در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. بسیاری از افراد خانواده‌اش از علمای الازهر و حافظان قرآن بوده و هستند. وی در سال ۱۹۶۵ میلادی به دریافت گواهی کارشناسی در رشته فلسفه و کلام، در دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر نائل آمد. گواهی کارشناسی ارشد خود را از همین دانشکده، در سال ۱۹۸۲ میلادی دریافت کرد و در سال ۱۹۸۶ میلادی، به مرتبه دکترا دست یافت.

"دکتر السایح" عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، استاد دانشکده عقیده و فلسفه اسلامی دانشگاه الازهر مصر، دانشگاه قطر و دانشگاه ام‌القرای عربستان بود و در حوزه‌های مختلف کلام، فلسفه، منطق و

ابطحی در گفت‌وگو با تقریب تأکید کرد:

لزوم پیوند سازندگان فیلم‌های فاخر دینی با حوزه علمیه و مجمع تقریب مذاهب اسلامی

وی با تأکید بر اینکه توطئه‌های صهیونیست‌ها علیه انقلاب ضد صهیونیستی ایران اسلامی تعبجی ندارد، خاطرنشان کرد: انقلاب اسلامی ایران در همه این سال‌ها بزرگترین مانع بر سر راه صهیونیسم بوده و جلوی منافع غرب را گرفته است. این انقلاب امروز نیز به واسطه بیداری مردم منطقه، روز به روز حوزه و گستره نفوذ بیشتری پیدا می‌کند. دشمن این چیزها را بهتر از دوستان می‌داند و این است که راه را در هجوم به ارکان اسلام و انقلاب اسلامی یافته است.

ابطحی اضافه کرد: آمریکا و صهیونیسم، جنگ با ملت ایران و ابزار تحریم را تجربه کرده‌اند و می‌دانند که توفیقی از این منظر حاصل نمی‌کنند و از این رو، به سراغ عقاید آمده‌اند.

وی افزود: در این مسیر، علاوه بر تهاجم به فرهنگ اسلامی ایرانی ما در داخل کشور، ایران‌هراسی را در کشورهای منطقه و اسلام‌هراسی را در سراسر جهان در دستور کار قرار داده‌اند تا مانع از گسترش حوزه و عمق نفوذ اسلام، انقلاب اسلامی و مکتب امام خمینی (ره) شوند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان اینکه "در این میان، کم‌کاری‌های ما جای تعجب دارد"، تأکید کرد: نظام جمهوری اسلامی، صداوسیما و ما و هنرمندان متعدد ما می‌توانند با تعامل و همکاری جدی با هنرمندان کشورهای اسلامی که کم‌هم نیستند، به مبانی غرب هجوم ببرند. این درست همان چیزی است که حضرت آقا (مقام معظم رهبری) در دیدار با زنان در روز زن سال جاری در زمینه حجاب فرمودند که شما به مبانی آنها هجوم ببرید و آنها را نقد کنید. متأسفانه این

یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، با بیان اینکه، برای مقابله با سیاست اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی هالیوود، باید ساخت آثار هنری جهانی را در دستور کار قرار داد، گفت: در این راستا، پیوند میان هنرمندان متعهد کشورمان با هنرمندان کشورهای اسلامی و همچنین پیوند میان هنرمندان و فیلمسازان با حوزه علمیه و مؤسساتی چون مجمع تقریب مذاهب ضروری است.

محمدجواد ابطحی، عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده مردم خمینی شهر در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار تقریب با اشاره به اینکه برنامه ریزی‌های فرهنگی و هنری آمریکا علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران به ویژه در قالب ساخت فیلم‌ها و سریال‌هایی با مضامین اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی گفت: آمریکا بخشی از سیاست‌های خود را در جهان از طریق هالیوود پیش می‌برد و پیگیری می‌کند.

وی افزود: هالیوود به عنوان یک پایگاه اثرگذار بر افکار عمومی آمریکا تأسیس شده و به همین جهت خیلی از سیاستمداران آمریکا از هالیوود برخاسته‌اند.

ابطحی در این زمینه به "رونالد ریگان" اشاره کرد و گفت: ریگان یک هنرپیشه بود که به ریاست جمهوری رسید. فرماندار کالیفرنیا نیز هنرپیشه بوده است. اینها از طریق لابی صهیونیسم که بسیار هم قوی است روی کار می‌آیند.

این نماینده مجلس با اشاره به شرکت‌های فیلمسازی چون "مترو گلدن مایر" (MGM) و "والت دیسنی" (Walt Disney) اظهار داشت: این‌ها شبکه‌های صهیونیستی هستند که هالیوود را می‌گردانند.

تقریب بدون تعدد بی‌معناست

سیاست و موضعگیری‌های اجتماعی عینیت دارد اما باید مشترکات را در نظر بگیریم. باید مواضعمان را متحد نماییم، به خاطر چند اختلاف به جان یکدیگر نیفتاده و باعث تفرقه نشویم بلکه به ریسمان الهی چنگ بزنیم.

وی خاطر نشان کرد: باید نفسانیات را کنار گذاشته و در موضعگیری‌هایمان خیر و عدالت را در نظر بگیریم، هدف ما باید اعتلای کلمه الهی و مصلحت جامعه و همه دنیا باشد، باید در مسیر تحقق آرمانهای اسلام و انسانیت بکوشیم. حسینی تصریح کرد: تقریب نشان می‌دهد که افکار متفاوت است، باید در کنار یکدیگر نشست و در قالب سمینار، کنفرانس و مجامع

آیت الله سید مجتبی حسینی "نماینده مقام معظم رهبری در سوریه گفت: وقتی از تقریب یا وحدت سخن می‌گوییم، در واقع اشاره به تکرر و تعدد است زیرا اگر تعدد نبود، تقریب و اگر تکرر نبود، وحدت معنا نداشت.

وی در گفت‌وگو با تقریب در سوریه به مناسبت افتتاح دفتر تنه در سوریه افزود: اینکه در هر جامعه اندیشه‌های مختلف وجود دارد، واقعیتی غیرقابل انکار است، هر فرد دارای اندیشه است که در نهایت باعث می‌شود گروه نیز دارای گرایشهای متفاوت باشد.

به گفته حسینی، مذاهب نیز دارای اندیشه هستند، این موضوع در مساله عقیده، فقه، مبانی

تعلیم و تربیت، صاحب‌نظر و صاحب‌اثر بود. سبک ادبی و شیوه نگارش وی به گونه‌ای بود که مسائل پیچیده علمی را به بیانی روشن می‌پروراند.

دکتر السایح از جدی‌ترین مدافعان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام در مصر و کشورهای عرب بود که همه عمر خود را در راه تقریب مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت میان مسلمانان و گسترش منطق گفت‌وگوی انسانی صرف کرد.

این اندیشمند بزرگ در سال‌های عمر پربرکت خود منشأ خدمات و فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود و ارتحال این عالم بزرگ ضایعه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر برای جهان اسلام خواهد بود.

کارها مورد غفلت است و تعجب اینجاست که ما در برابر فعالیت‌های غرب، منفعلیم.

وی در عین حال، بر لزوم توجه به دیدگاه‌های مؤسسات دینی و فرهنگی که در حوزه‌های جهانی کار می‌کنند، تأکید کرد و گفت: برای ساخت سریال‌ها، فیلم‌ها و انیمیشن‌هایی که پخش منطقه‌ای و جهانی آنها را در نظر داریم، باید دیدگاه‌های مؤسساتی مانند مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حتماً مورد توجه قرار گیرد.

ابطحی در توضیح این مطلب گفت: گاهی ممکن است یک فیلم با هزینه بالایی ساخته شود ولی با یک صحنه یا حتی یک دیالوگ همه تلاش‌های مؤسساتی چون مجمع تقریب را بی‌اثر کرده و حاصل زحمات چندین ساله آنها را از میان ببرد.

این نماینده مجلس تأکید کرد: باید دستگاه‌های فرهنگی، صداوسیما، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی در یک جایی با مؤسساتی چون مجمع تقریب مذاهب اسلامی و حوزه‌های علمیه پیوند داشته باشند و از نظرات کارشناسان مجمع تقریب و اساتید حوزه و دانشگاه بهره ببرند.

وی افزود: ضمن این، باید در حواشی یک سریال یا فیلمی که پخش منطقه‌ای و جهانی دارد، گفت‌وگوها، مجامع‌ها و بحث‌هایی را میان کارشناسان مختلف داخلی و خارجی برگزار کنیم و از رسانه‌های برون مرزی پخش کنیم تا درباره موضوعات احیاناً مورد اختلافی که در برخی بخش‌های فیلم یا سریال‌ها هست روشن‌گری شود و دشمن نتواند از آنها سوءاستفاده کند.

علمی به تبادل نظر بپردازیم، اندیشه‌های هر مذهب باید بررسی و کتب یکدیگر مطالعه شود که راهی بسیار ضروری و آسان است.

وی گفت: باید کتابهای یکدیگر را بدون تعصب بخوانیم، در چنین صورتی متوجه می‌شویم عمده مطلب یکی است اما تعبیر آن متفاوت است، در فقه، علم رجال و علم کلام نمونه‌های زیادی از این قبیل وجود دارد. آیت الله سید مجتبی حسینی افزود: مراوده دوستانه باعث تقریب و مشخص شدن اشتباهات هر طرف شده و آثار و برکات زیادی دارد که در نهایت به تألف میان طرفهای مختلف منجر می‌شود.

آیت الله تسخیری در جمع علمای شیعه و

سنی پاکستان:

بزرگترین هنر امام خمینی (ره)

تعمیق و هدایت بیداری اسلامی بود



همایش یک روزه "نقش علما در بیداری اسلامی" با حضور آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و جمعی از علما و اندیشمندان مسلمان پاکستان در اسلام‌آباد پاکستان برگزار شد.

آیت الله تسخیری در این همایش گفت: بعثت پیامبر مکرم اسلام لطف و تفضل الهی است که جامعه را از جهل به سوی علم، از تشنگی آرا به سمت وحدت، از عقب ماندگی فکری به رشد و عقلانیت منطق اجتهاد و حرکت به سوی جامعه جهانی سوق داد.

وی طی سخنانی افزود: علما همیشه در طول تاریخ حامل ایده‌های اسلامی بوده‌اند و بزرگ‌ترین هنر امام خمینی (ره) گسترش، تعمیق و هدایت بیداری اسلامی بود همچنانکه تا امروز با وجود دشمنی‌های آشکار مستکبرین، این ایده و اندیشه مورد حمایت مسلمانان سراسر جهان اسلام است.

دبیرکل مجمع به رسالت علما و اندیشمندان در خصوص بیداری اسلامی اشاره کرد و تصریح کرد: رسالت امروز علما این است که این حرکت عظیم بیداری اسلامی را گسترش و تعمیق دهند و هدایت آن را همچنان به عهده داشته باشند و علما باید متوجه توطئه‌های دشمنان باشند و با درایت نقشه‌های استکبار جهانی را در به انحراف کشیدن این نهضت مقدس خنثی کنند.

آیت الله تسخیری:

حج فرصتی برای رهایی مسلمانان از

تفرقه است

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: مناسک حج، فرصتی برای رهایی از عناصر تفرقه و توجه به اندیشه‌های تقریبی است.

آیت الله محمدعلی تسخیری که برای شرکت در همایش حج و امت اسلامی به تاتارستان سفر کرده بود، در این همایش دو روزه گفت: حج فضای نمونه‌ای را برای نزدیک شدن اندیشه‌ها فراهم می‌کند.

وی حج را یک روند تربیتی باشکوه توصیف کرد و افزود: در مناسک حج نمایندگان بشریت از گوشه و کنار جهان گرد هم می‌آیند تا در مسایل بسیاری کارآموزی کنند و با به کارگیری آن‌ها در زندگی مادی و معنوی خود به منافع بزرگی دست یابند.

دبیرکل مجمع، یگانگی و عبودیت، نفی نظامات بشری، پایبندی به حدود و حرمت‌های الهی، رهایی از عناصر تفرقه مادی و برائت از مشرکین را از جمله دستاوردها و منافع بی‌شمار حج برشمرد.

همایش "حج و امت اسلامی" با حضور رئیس‌جمهور تاتارستان، شیخ رابیل عین‌الدین، رئیس شورای مفتیان روسیه، پروفیسور اوماخانوف، رئیس کمیته امور دینی و حج دولتی فدراسیون روسیه و جمعی از علما و اندیشمندان جهان اسلام و با همکاری رایزن فرهنگی کشورمان در مسکو و شورای فدراسیون روسیه شانزدهم تیرماه جاری در پایتخت این کشور آغاز به کار کرد و با برپایی کارگاه تخصصی-آموزشی به کار خود پایان داد.

در این همایش علاوه بر دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، علی‌لیالی رئیس سازمان حج و زیارت و حجت الاسلام سیدعلی قاضی عسگر رئیس بعثه مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج ایرانی نیز حضور داشتند.

مولوی اسحاق مدنی:

دشمن در صدد مصادره بیداری اسلامی است

مسلمانان دانست و تاکید کرد: تقویت ایمان و اتحاد و همبستگی مانع بزرگی بر سر راه دشمنان برای نفوذ در جوامع اسلامی است. وی افزود: مسلمانان باید با استفاده از این سلاح که از تاکیدات نبی مکرم اسلام (ص) نیز هست، در مقابل دشمنان ایستادگی کنند.

مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت اظهار داشت: ملت های قیام کننده باید بسیار هوشیار باشند و از دین، منابع و منافع کشورهای اسلامی در مقابل هجمه های گوناگون دشمنان حفاظت کنند.

وی در پایان افزود: دشمنان اسلام همواره در تلاش برای نفوذ در جوامع اسلامی و اجرای نقشه های خود هستند و تاکنون نیز در برخی کشورها به این هدفشان رسیده اند و اکنون نیز که بیداری اسلامی شکل گرفته در صددند این قیامها را به نفع خودشان مصادره کنند.

اسلامی در منطقه از آثار و برکات انقلاب اسلامی است.

وی افزود: البته باید در نظر داشت که انقلاب اسلامی ایران علت تامه بیداری اسلامی و قیامهای مردمی در منطقه نیست زیرا هر کشور شرایط خاص خود را دارد.

مولوی مدنی ادامه داد: تاکید بیش از حد بر این مساله شاید موجب سوء استفاده دشمنان در ایجاد شکاف بین امت اسلامی شود اما آنچه مشخص است اینکه انقلاب اسلامی ایران در شکل گیری بیداری اسلامی نقش داشته است.

این روحانی برجسته اهل سنت سیستم و بلوچستان افزود: ملت های مسلمان باید با الگو گیری از مردم ایران اجازه ندهند استکبار و سایر دشمنان اسلام در صفوف به هم فشرده آنان رخنه کنند.

وی وحدت و همبستگی را رمز پیروزی

نماینده بعثه مقام معظم رهبری:

اسلام دین وحدت و قرآن کتاب بیداری است

خواهیم باید مسلمانان جهان را بیدار کنیم و بصیرت بخشیم اگر امروز این بیداری شکل نگیرد، فردا دیر است، سپس افزود: اگر خودمان بیدار و هشیار نباشیم هرگز نخواهیم توانست دیگران را بیدار کنیم؛ هرگز خفته نتواند خفته ای را بیدار کند.

مسئول بعثه مقام معظم رهبری تصریح کرد: اگر امروز میان همه مسلمانان جهان وحدت و یکپارچگی وجود داشت به یقین همه مسلمانان بیدار بودند اوضاع آن ها جور دیگری بود کسی جرات جسارت و تجاوز و تعدی به آن ها را نداشت و نمونه آن اتحاد قبیله اوس و خزرج و بیداری مسلمانان در زمان پیامبر اکرم (ص) که اقتدار اسلام تبلور یافت و آن حضرت به کشور های بزرگ نامه نوشت و آن ها را به اسلام دعوت کرد.

وی در ادامه اظهارداشت: اسلام دین وحدت و قرآن کتاب بیداری است و اگر مسلمان به قرآن توجه نکنند و بیدار نشوند دشمنان همه چیز آنها را خواهند زیرا وقتی انسان خواب باشد هر دزدی طمع در سرقت خانه او را در سر می پروراند.

بیانیه مجمع تقریب به منظور کمک رسانی به آسیب دیدگان نهضت های اسلامی

دینی خیزش های مردمی و توجه به عزت و کرامت انسانی از دست رفته این کشورها توسط پادشاهان و حاکمان آن ها، سه مولفه اصلی این موج بیداری اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب است. اینک وقت آن است که ملت ایران خود را در کنار مبارزین مسلمان و در خط مبارزه آن ها ببیند چرا که امام امت فرمود "تا شرک و کفر هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم."

به همین منظور مردم نوع دوست و نیکوکار ایران اسلامی می توانند کمک های نقدی خود را به منظور کمک رسانی به آسیب دیدگان نهضت های اسلامی به شماره حساب ۰۱۰۹۴۰۰۹۴۰۰۰۹ بانک ملی ایران شعبه خشایار واریز نمایند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و

مجمع جهانی اهل بیت (ع)

اجتماعی رفت که عزت و عظمت جامعه اسلامی در گرو این وحدت است.

حجت الاسلام نجفی روحانی تاکید کرد: امروز دشمنان به دنبال تفرقه افکنی بین فرق مسلمان می باشند آن ها نمی خواهند اسلام اصیل و ناب در جهان اسلام گسترش یابد آن ها دنبال ترویج اسلام آمریکایی هستند که هیچ خطری برای آن ها ندارد اینجا رسالت علماء سنگین می شود که باید مردم را متحد و بیدار و هشیار سازند.

نماینده بعثه مقام معظم رهبری افزود: آیا اگر مسلمانان بیدار بودند دشمن می توانست در جنگ احد آن ها را شکست دهد و حمزه سید الشهداء را شهید و دندان پیامبر را بشکند؟ این حوادث ناگوار به سبب دنیا گرایی و بی بصیرتی و غفلت برخی مسلمانان بود که چنین حوادثی رخ داد، ما نیز باید امروز مواظب باشیم بصیر و خبیر و هشیار و دشمن شناس باشیم تا مبدا برخی حوادث تلخ تاریخ صدر اسلام تکرار شود.

وی با بیان این که اگر عزت اسلام را می

مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت گفت: دشمنان اسلام در صدد هستند بیداری اسلامی شکل گرفته در کشورهای اسلامی را به نفع خودشان مصادره کنند.

به گزارش خبرگزاری تقریب از سیستان و بلوچستان، "مولوی اسحاق مدنی" اظهار داشت: این توطئه شوم دشمن تنها با هوشیاری کامل مسلمانان خنثی خواهد شد.

وی افزود: البته این نوع شیطنتهای استکبار جهانی در منحرف ساختن مسیر انقلابهای مردمی امری مسبوق به سابقه است و لذا مسلمانان باید ضمن حفظ هوشیاری مراقب این دسیسه خطرناک دشمن باشند.

عضو شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی با بیان این مطلب که آثار انقلاب اسلامی ایران در دنیا در حال ظهور است اظهار داشت: بدون شک بیداری امت

نماینده بعثه مقام معظم رهبری تاکید کرد: اگر عزت اسلام را می خواهیم باید مسلمانان جهان را بیدار کنیم و بصیرت بخشیم اگر امروز این بیداری شکل نگیرد، فردا دیر است.

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، حجت الاسلام نجفی روحانی در همایش اسلام تبلور وحدت و بیداری که با حضور علما، مدیران، استادان و طلاب حوزه علمیه استان گلستان در مدینه منوره برگزار شد گفت: سفر به سرزمین وحی آرزوی هر مسلمانی است سفر شما عالمان و اندیشمندان به این مکان مقدس باید با دیگران متفاوت باشد، زیرا شما دارای مشعل فروزان علم هستید وظرفیت دریافت حقایق را دارید.

وی با اشاره به ضرورت وحدت و یکپارچگی میان مسلمان اظهار داشت: وحدت باید ابتداء در دل انسان ها ایجاد شود و انسان از اضطراب و تردید بیرون آید و موحد واقعی شود که یکی از اهداف مهم این سفر همین است سپس باید به دنبال وحدت

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت(ع) طی بیانیه ای از مردم مسلمان ایران خواستند تا با کمک های نقدی خود، آسیب دیدگان نهضت های اسلامی را یاری نمایند.

متن این بیانیه به شرح زیر است: "بیداری اسلامی کنونی در منطقه برگرفته از انقلاب اسلامی ایران و نتیجه ایستادگی ملت ایران است."

"مقام معظم رهبری مدظله العالی" اکنون دنیا شاهد است که ملت های کشورهای مسلمان با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران، به پاخاسته و تصمیم قاطع گرفته اند که خود را از چنگال مستکبران و وابستگی رها ساخته و ندای آزادی و آزادی گردهند. این بیداری اسلامی ناشی از روح عزت، اسلام خواهی و

اندیشمند لبنانی:

مکتب امام علی (ع) تسکین دهنده

و درمان آلام و دردهای بشر

دکتر سمیر سلیمان با اشاره به فضائل و شخصیت برجسته امام اول شیعیان اظهار داشت: بعد از پیامبر خاتم نمی توان شخصیتی را مانند امام علی (ع) پیدا کرد. وی افزود: فکر، صبر، اخلاق، مکتب و حکمت سیاسی این امام همام بی نظیر است.

این استاد دانشگاه لبنانی خاطر نشان کرد: حق این امام بزرگ با درس و بحث و نوشتن ادا نمی شود. تمام کتابهایی که نوشته شده فقط بخشی از فضائل ایشان را بر گرفته است.

وی ادامه داد: متأسفانه مردم حق این امام همام را ادا نکردند و ایشان ظلم های فراوانی را در زندگی متحمل شدند.

سردبیر نشریه فرانسوی زبان الحجاج یادآور شد: امام علی (ع) قرآن ناطق بودند و سخنان ایشان برای همه بشریت راهگشاست.

دکتر سمیر سلیمان مکتب امام علی (ع) را تسکین دهنده و درمان آلام و دردهای بشر توصیف کرده و اظهار داشت: امام علی (ع) الگوی کامل و جامعی بعد از پیامبر بود و در مکتب ایشان به همه ابعاد انسان توجه می شود.

وی در پایان کلیه اتفاقات جهان اسلام را برگرفته از مکتب امام علی (ع) دانسته و تاکید کرد: تأسیس جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، مقاومت اسلامی حزب الله لبنان و آنچه در فلسطین می گذرد، برگرفته از درس شجاعت و آزادی امام علی (ع) است.

معاون فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه کردستان:

کردستان باید به عنوان الگوی وحدت

اسلامی در جهان معرفی شود

معاون فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در کردستان با اشاره به انسجام و وحدت بی نظیر بین مسلمانان شیعه و سنی در شهرها و روستاهای کردستان از اصحاب رسانه استان خواست تا این استان را به عنوان الگوی برتر وحدت اسلامی به جهانیان معرفی کنند.

"حجت السلام مهدی فرضی" در هم اندیشی فرهنگی که به همت شهرداری سنندج برگزار شد با اشاره به ویژگی های بارز فرهنگی و اسلامی مردم متدین و ولایت مدار کردستان اظهار داشت: فرهنگ سازی و نشر آموزه های اسلامی و دینی در جامعه از جمله وظایف همگانی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

وی افزود: اصحاب رسانه و خبرنگاران با تلاش های همه جانبه در حوزه فرهنگی می توانند نقش بسزایی در تعالی فرهنگی جامعه و نشر آموزه های دینی در بین آحاد مختلف مردم ایفا کنند. معاون فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان کردستان خبرنگاران و فعالان عرصه رسانه را به عنوان شاخصی مهم در حوزه فرهنگی هر جامعه ای معرفی کرد که می تواند با قلم شیوای خویش در مسیر گسترش مشارکت های مردمی و ارتباط بین مردم و مسئولان و رفع معضلات و مشکلات جامعه گام های بلندی را بردارند.

حجت الاسلام فرضی با اشاره به منویات گهربار مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی های فرهنگی، آداب و رسوم غنی مردم مسلمان و ولایت مدار کردستان، افزود: بحث وحدت و انسجام اسلامی و ملی از قلم خبرنگاران تولید و صادر می شود و امید است اصحاب رسانه استان با تلاش مضاعف در این خصوص کردستان را به عنوان الگوی وحدت اسلامی به جهانیان معرفی کنند.

معاون فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در منطقه کردستان از شهر سنندج به عنوان شهر الگوی استان برای گسترش فعالیت های فرهنگی یاد کرد و بر حمایت های این معاونت در راستای گسترش فعالیت های فرهنگی در استان و شهر سنندج خبر داد.

حجت الاسلام فرضی خاطر نشان کرد: در استان کردستان مسلمانان از مذاهب مختلف اسلامی آزادانه به انجام واجبات دینی خویش پرداخته و با کمال وحدت و انسجام دینی و ملی زندگی سرشار از صلح و صفا و همدلی دارند و به جرأت می توان گفت استان کردستان در خصوص وحدت بین مذاهب اسلامی یکی از نقاط پیشرو و متعالی ایران اسلامی و حتی جهان اسلام است و باید این ویژگی های منحصر به فرد به دیگر مسلمانان جهان معرفی شود.

طرح حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی و سید قطب

صالح عوض - ترجمه: استاد خسروشاهی
ویژه‌نامه روزنامه جوان به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

یکی از مباحثی که از برادر "صالح عوض" در فصل‌نامه "المنتقی" چاپ پاریس منتشر گردیده، بحث "م شروع الحکومه الاسلامیه فی الفکر الاسلامی المعاصر" - سال پنجم، شماره اول، ۱۴۰۸هـ، صفحه ۳۵ تا ۶۱ بود که در واقع یک بررسی دقیق از نوع اندیشه و طرح امام خمینی و شهید سید قطب در رابطه با چگونگی حکومت اسلامی است.

این بحث را سالیانی پیش ترجمه کرده بودم که در بین اوراق و جرائد مکتبه حقیق "مفقود" شده بود! و در اثر پیگیری‌های مستمر برادر عزیز آقای محمد رضا کائینی در رابطه با مسائل بیداری اسلامی نهضت‌های اسلامی معاصر به دست آمد و پس از ویرایشی دقیق و تطبیق مجدد با متن عربی، برای نشر در ویژه‌نامه سالگرد ارتحال امام خمینی قدس سره در اختیار روزنامه جوان قرار گرفت. در پایان بی مناسبت نیست اشاره شود که پس از بازگشت به ایران، روابط ما با برادران همچنان از طریق مکتبه استمرار یافت و نامه‌های برادر ارجمند دکتر عادل عبدالمهدی که از پاریس به آدرس قم فرستاده می‌شد، نشانگر عمق این روابط فرهنگی و تبادل ثقافتی "تواند بود. برای نمونه ترجمه یکی از آن نامه‌ها را که در واقع جنبه تاریخی دارد و مربوط به یک ربع قرن پیش است، در اینجا نقل می‌کنم.

تهران جمعه ۹۰/۲/۳۰
سیدهادی خسروشاهی



▲ صالح عوض، نویسنده و پژوهشگر فلسطینی

برنخاستند، معلوم می‌شود قصورشان ناشی از غفلت نیست بلکه درد دیگری دارند. آن وقت حسابشان طور دیگری است. (۳۱)

عزم و اراده امام خمینی و سید قطب مبنی بر بازگشت به صدر اسلام و برقراری حکومت اسلامی، کوششی پیشگامانه در اندیشه سیاسی اسلام بود که آن بزرگواران از خلال تبلیغ و تشکل به انجام رساندند. اجتهادشان در مرحله ای پا به عرصه مبارزات گذاشت که امت "در آن روزها دچار تزلزل اراده و سرگشتگی در مفاهیم شده و راه حل‌های نیم بند و نفوذ اندیشه‌های غربی مسلمانان را در گرداب پراکندگی و تشتت افکنده بود... ولی با پیدایش این اجتهاد، راه اتحاد نیروهای مسلمان که در شرایط دشواری به سر می‌بردند، هموار گردید.

امروزه هر نهیب اعتراضی و هر دعوت به جهادی که در کشورهای اسلامی از تهران تا قاهره تا بیت المقدس سر داده می‌شود، عمدتاً از اجتهاد امام خمینی و سید قطب منشأ گرفته است. این دو اسوه تقوی، به شدت بر اوضاع و احوال ویران شده و تاختند و اعلام کردند که سر منشأ این اوضاع نایسامان، نبود حکومت اسلامی، تجاوز به ویژه ترین خصوصیات الوهیت و به بند کشیدن مردم از طریق تحمیل قوانین وضعی ساخته و پرداخته انسان است. (۳۲) و از همان ابتدا هر نوع سازشی را با جاهلیت حاکم مردود دانستند: یا حکومت جاهلیت و یا حکومت الله (۳۳) و خواستار تشکیل حکومتی شدند منبعث از ماهیت خط مشی قرآنی (۳۴) و بینش اعتقادی اسلامی که می‌تواند جوانب متعدد زندگی بشر را تحت پوشش قرار دهد: سیاست، جامعه، اخلاق، هنر، دانش... این

در همین راستا با فصل‌نامه "المنتقی" نیز همکاری فرهنگی و مبادله مطبوعاتی داشتیم. ارسال کتاب‌هایی از امام خمینی، علامه طباطبائی، شهید مطهری، دکتر شریعتی و دیگر اساتید به مراکز فرهنگی اروپا، روابط را با آنها مستحکم تر نمود. برادران مسئول در آن مراکز به درج و نشر مقالاتی که ما می‌فرستادیم و یا همکاران آنها با استفاده از منابع ارسالی ما اقدام می‌کردند. از جمله این برادران "راشد الغنوشی"، "حبيب مكنی" و "صالح عوض" بودند. صالح عوض، نویسنده و پژوهشگر فلسطینی - که اکنون مدیریت مرکز البشیر للدراسات الحصاریه را به عهده دارد - متولد سال ۱۹۶۲ میلادی است. از او آثار و کتاب‌های بسیاری در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی دنیای عرب و اسلام منتشر شده است که از آن جمله است: "الثورة الجزائرية"، "الانتفاضة الفلسطينية"، "النظام السياسي فی الفكر العربي و الاسلامی"، "الامة والتحدی الامر یکی". او صدها مقاله نیز در روزنامه‌های "البشیر" و "الحیات" - فلسطینی - و "الترس العربی" - لندن - و "الشروق" الجزائر منتشر ساخته است. صالح عوض برای دفاع از آرمان‌های فلسطین، در ده‌ها کنفرانس و سمینار در کشورهای عربی، اسلامی و اروپایی شرکت و سخنرانی کرده است.

بحث امام خمینی و سید قطب، یکی از مباحثی است که توسط او به رشته تحریر درآمده و در فصل‌نامه "المنتقی" که به عربی و فرانسه در پاریس منتشر می‌شد، درج گردیده است.

مقدس. باید افکار آنها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آنها روشن سازیم. چون اینها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند. (۲۹) و: این‌ها از فقهای اسلام نیستند و بسیاری از اینها را عوامل دولت ایران معمم کرده تا دعاگو باشند.... اینها را باید رسوا کرد.... اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می‌کنند، اسلام را ساقط می‌کنند، باید جوان‌های ما عمامه اینها را بردارند. (۳۰) و: امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام، به اسلام صدمه می‌زنند. ریشه این جماعت که در جامعه وجود دارد، در حوزه‌های روحانیت است. در حوزه‌های نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها، افرادی هستند که روحیه مقدس نمایی دارند و از اینجاریحیه و افکار سوء خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند. اینها هستند که اگر یک نفر پیدا شود و بگوید بیاید زنده باشید و بیاید نگذاریم ما زیر پرچم دیگران زندگی کنیم، نگذارید انگلیس و آمریکا این قدر بر ما تحمیل کنند، نگذارید اسرائیل این طور مسلمانان را فلج کند، با او مخالفت می‌کنند. این جماعت را ابتدا باید نصیحت و بیدار کرد، به آنها گفت: مگر خطر را نمی‌بینید؟ مگر نمی‌بینید که اسرائیلی‌ها دارند می‌زنند و می‌کشند و از بین می‌برند و انگلیس و آمریکا هم به آنها کمک می‌کنند و شما نشسته اید تماشا می‌کنید. آخر شما باید بیدار شوید، به فکر علاج بدبختی‌های مردم باشید، مباحثه به تنهایی فایده ندارد. مسئله گفتن به تنهایی دردها را دوانمی‌کند. در شرایطی که دارند اسلام را از بین می‌برند، بساط اسلام را به هم می‌زنند، خاموش ننشینید و مانند مسیحیان که نشستند و درباره روح القدس و تثلیث صحبت کردند، تا آمدند آنها را گرفته از بین بردند. بیدار شوید و به این حقایق و واقعیت‌ها توجه کنید. به مسائل روز توجه کنید. خودتان را تا این اندازه مهمل بار نیاورید. شما با این اهمال کاری‌ها می‌خواهید که ملائکه آجندة خود را زیر پای شما پهن کنند. مگر ملائکه تنبل پرورند؟.... برای شما که جز مسئله گفتن تکلیفی ندارید، خضوع معنی و مورد ندارد. هرگاه بعد از تذکر و ارشاد و نصیحت‌های مکرر، بیدار نشده و به انجام وظیفه

حکومت‌های واپسگرای سرسپرده اش عرضه کنندگان آن هستند، آغاز کردند: اشتباه است و آن هم چه اشتباهی! اینکه ایدئولوژی اسلامی به صورت تئوری و تنها در مورد تحقیقات ذهنی و افزایش آگاهی فرهنگی بکار گرفته شود، بلکه این خطر است و آن هم چه خطری! (۲۴) و: آتهائی که امروزه از اسلام می‌خواهند که تئوری‌ها و چهارچوب‌های نظام و قوانین زندگی را قالب ریزی نمایند، در حالی که بر صفحه کره زمین هنوز جامعه ای پیدا نمی‌شود که عملاً فقط حاکمیت قوانین الهی را پذیرفته و تمامی قوانین دیگر را کنار گذاشته باشد و اینکه اصولاً قدرت اجرایی چنین کاری را پیدا کرده باشد، آتهائی که از اسلام این را می‌خواهند، نه ماهیت این دین را و نه طرز عملکرد آن در زندگی را - آن گونه که مشیت الهی بر آن تعلق گرفته است - درک نکرده‌اند. (۲۵) و: "بر اهل تبلیغ لازم است که مانور جنگ روانی را افشا کنند و بر آن فائق آیند و مسخرگی مبتدل به اصطلاح "پویا کردن فقه اسلام" در جامعه ای که هنوز به شریعت الهی گردن نهاده را رسوا سازند. بر آنان است که این سرگرمی را که جایگزین کار مجدانه شده است از خود دور کنند... سرگرمی به وسیله کاشتن بذر در هوا!! بر آنان است که این نیرنگ خبیثانه را افشا نمایند. (۲۶) و: اگر شما سیاست استعمارگران کاری نداشته باشید و اسلام را همین احکامی که همیشه فقط از آن بحث می‌کنید، بدانید و هرگز از آن تخطی نکنید، با شما کاری ندارند. شما هرچه می‌خواهید نماز بخوانید؟ آنها نفت شما را می‌خواهند، به نماز شما چه کار دارند؟ (۲۷) و: شما به حوزه‌های علمیه نگاه کنید. آثار همین تبلیغات و تلقینات استعماری را مشاهده خواهید کرد. افراد مهمل و بیکاره و تنبل و بی‌همتی را می‌بینید که فقط "مسئله فقهی می‌گویند و دعا می‌کنند و کاری جز این از آنها ساخته نیست. (۲۸) و: آین گونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد، به استعمارگران و دولت‌های جائر کمک می‌کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین وضع و صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند. اینها افکار جماعتی است که به "مقدسین" معروفند و در حقیقت "مقدس نما" هستند نه

مقدمه:
سال‌ها پیش، برادر عزیز ما جناب آقای دکتر عادل عبدالمهدی از اعضای شناخته شده "حزب الدعوة الاسلامیه" - معاون اول فعلی ریاست جمهوری عراق - به دنبال فشار رژیم بعثی بر حزب و دستگیری اعضا و اعدام گروهی از رهبران آن، مجبور به "هجرت" از عراق گردید و پس از مدتی "آوارگی"، سرانجام در فرانسه - پاریس - رحل اقامت افکند و به ادامه تحصیل در مقطع "دکتری" پرداخت. عادل عبدالمهدی اما به موازات تحصیل و کار و تلاش برای معاش، در دیار غربت نیز از هدف اصلی خود غافل نماند و با تأسیس یک مرکز اسلامی تحت عنوان: "مرکز الدراسات و التوثیق الاسلامی" در فرانسه به فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه داد و نیز فصل‌نامه‌ای به نام "المنتقی" به سه زبان: عربی، فرانسه و انگلیسی را در پاریس منتشر ساخت.
در آن برهه، اینجانب به موازات انجام وظایف نمایندگی سیاسی در سفارت جمهوری اسلامی در واتیکان، یک مرکز فرهنگی تحت عنوان: "مرکز فرهنگی اسلامی اروپا" را در رم - ایتالیا - تأسیس کرده بودم که علاوه بر چاپ ده‌ها کتاب و مجله و نشریه به زبان‌های: عربی، فارسی، ایتالیایی، فرانسه و انگلیسی با مؤسسات و مراکز اسلامی - فرهنگی موجود در اروپا، روابط صمیمانه‌ای برقرار کرده و به "تبادل ثقافتی" با آنان می‌پرداخت که مرکز دراسات اسلامی پاریس یکی از آنها بود.

در گذشته‌های دور خداوند بر چنین اشخاصی کلمه "مشرک" اطلاق کرده است زیرا حق - حاکمیت اعلی - را به کشیشان بزرگ و پارسایان واگذار کرده بودند. اینان هم خودسرانه قانونگذاری می‌کردند و آنان هم می‌پذیرفتند... امروزه سزاوار است که این قبیل افراد از باب اولی، مشرک و کافر خوانده شوند، چه حق قانونگذاری را به مردمانی که نه کشیش هستند و نه پارسا، واگذار کردند... همگی آنان از یک قماشند. (۲۲) و: این شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت "طاغوت" و نظام شرک آمیز است، لازمه اش همین فساد است که می‌بینید. (۲۳)
افراد نکته سنج با مطالعه تفسیر "فی ظلال القرآن" - در سایه‌های قرآن - سید قطب و یا با گوش فرا دادن به سخنرانی‌های امام خمینی و رهنمودهای ایشان، بخوبی در می‌یابند که هر دو بزرگوار بر دارنده "قدرت مطلق" و "علم مطلق" - خداوند متعال - اتکال و اتکاء داشته اند. لذا تفکر توحیدی را از نو تجدید بنا کرده و غبار قرن‌ها عقب ماندگی را از پیکره آن زدودند و به روشنی ثابت نمودند که برقراری حکومت اسلامی، دارای اولویت ویژه است و عدم برقراری آن، در حقیقت تجاوز به ویژه ترین خصوصیت‌های الهی است. این موضوع در فصل: "دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی" در کتاب "حکومت اسلامی" امام خمینی و فصل "لا اله الا الله...." در کتاب: "نشانه‌هایی در راه" سید قطب، بطور شفاف بیان شده است.

برقراری حکومت اسلامی و برانداختن حکومت طاغوتی وعده دائمی و عمده امام خمینی و سید قطب است، این نوع حکومت از طرح مسائل تفرقه انگیز دینی کاملاً به دور است، زیرا از صدر اسلام الهام می‌گیرد و از منبع زلال وحی سیراب می‌گردد. برقراری حکومت اسلامی یک تکلیف شرعی است و چنانچه علمای اسلام به انجام آن همت نگمارند، گناهکار هستند.

امام و سید، آشکارا و از همان آغاز، علیه واگذاری نقش ثانوی و جنبی به اسلام، قاطعانه ایستادند و از پذیرفتن نقشی محدود به زوایای افتاء درباره مثلاً "طهارت" و یا "معارف نظری" و فلسفی، خودداری نمودند. و مبارزه ای سهمگین علیه آخوندهای درباری و اسلامی که غرب کافر و

گونه آن دو بزرگوار اندیشه سیاسی اسلام را از قید و بند تأویل‌ها و تفسیرهای مبتنی بر حدس و گمان رها ساختند.

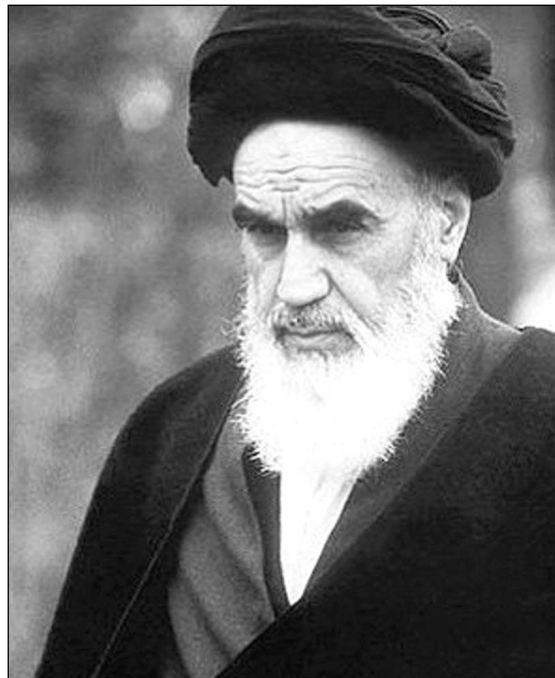
امام خمینی و سید قطب: فقه نهضت

پایداری در مقابل قدرت حاکم به شیوه امام خمینی و سید قطب در اندیشه سیاسی اسلام، اجتهادی نو بشمار می‌رود. اما این موضعگیری ارائه فقه نهضت را از آن دو بزرگوار می‌طلبید تا شعار برکناری دولت شرک و برقراری حکومت الله از مرحله تئوری خارج شده و جامه عمل به خود ببوشت. سید قطب ابتدا اعلام کرد که این حکومت و این فرمانروای طاغوتی که به آنچه خداوند نازل کرده است، حکومت نمی‌کند "هبل، هبل! سمبل سبک سری و سرسپردگی و فریب است." (۳۵) امام خمینی اعلام نمود که این حکومت که احکام خداوند را جاری نمی‌کند یک "حکومت طاغوتی" است. (۳۶)

ولی آیا حکومت اسلامی که مورد نظر آن بزرگواران بود، به یک منطقه جغرافیایی خاصی محدود می‌شد؟ هرگز! آنان تمام تلاش‌های خود را بر پایه برقراری حکومت اسلامی و تداوم گسترش و نشر اسلام در سطح جهان استوار کرده بودند... تا این دین، بشریت رنجور را از غل و زنجیر قوانین وضعی بشری اسارت بار نجات دهد. امام خمینی و سید قطب از منبع زلال وحی و صدر اسلام الهام گرفته بودند، از منبعی که نقطه نظرهای آنها را در مورد واقعیت‌های جهان امروز و اسلام انقلابی یکجا گردآوری و افکار یکرنگ و بی‌شائبه شان را تلاقی داده بود. در نخستین صفحات "حکومت اسلامی" و نشانه‌هایی

در راه "آن دو بزرگوار موضع خود را در قبال تمدن غرب و ماهیت آن مشخص کرده‌اند... امام خمینی می‌گوید: آنها به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضائل اخلاقی و تعالی روحی و معنوی دورند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند." (۳۷) و سید قطب می‌گوید: امروزه بشریت به علت ورشکستگی ارزش‌هایی که قاعدتاً حیات انسانی در سایه احترام به آنها می‌تواند رشدی سالم و پیشرفتی منطقی داشته باشد، در لبه پرتگاه قرار گرفته است.. و این حقیقت برای غربیان کاملاً آشکار شده است، زیرا جهان غرب، دیگر نه تنها ارزش‌هایی جهت عرضه به بشریت در اختیار ندارد، بلکه حتی چیزی را هم ندارد که بتواند در مورد شایستگی برای اظهار وجود، وجدان خود را با آن قانع کند. (۳۸) و: "رهبری بشریت توسط غربیان به آخر خط رسیده است... نه اینکه تمدن غرب از نظر مادی ورشکست شده و یا از نظر نیروی اقتصادی و نظامی دچار انحطاط گشته، بلکه نقش نظام غرب به پایان رسیده است، زیرا که اندوخته‌های ارزشی آن که به آن تمدن اجازه می‌داد رهبری را در دست بگیرد، دیگر وجود ندارد" (۳۹) و: "چنین جوامعی، بی‌شک جوامع عقب مانده است" (۴۰)

سپس امام خمینی و سید قطب اندیشه و تفکر اسلامی را به عنوان تنها داروی نجات بخش بشریت از درد و رنج و تسلط محنت بار اندیشه‌های غرب - کمونیسم و سرمایه داری - و عمال سرسپرده اش را مطرح می‌سازند... امام خمینی می‌گوید: "چون حل مشکلات اجتماعی و بدبختی‌های آنها محتاج راه حل‌های اعتقادی و اخلاقی است، کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل آن بر نمی‌آید." (۴۱)



و سید قطب می‌گوید: "بشریت نیاز به یک رهبری جدید دارد... و تنها اسلام است که آن ارزش‌ها و این قدرت را داراست." (۴۲). امام خمینی موضع خود را در قبال این مسئله به طور شفاف بیان می‌دارد و می‌گوید: "سلطنت و ولایتعهدی - حکومت موروثی - همان چیزی است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و رم شرقی و مصر و یمن برچیده است." (۴۳) و سید قطب موضع خود را درباره این مسئله چنین بیان می‌کند: اسلام نیامده است که شهوات مردم را که در پندارها و نظام‌ها و اوضاع و آداب و رسوم جاهلی شان نهفته است، تثبیت

یعنی برقراری نظام اسلامی "جامعه اسلامی، حکومت اسلامی" (۴۸) به عبارتی دیگر بایستی بار دیگر به "امت"، موجودیت "بخشید تا اسلام بتواند دوباره نقش واقعی خود را در رهبری بشریت بازیابد... تا امت به شهود بازگردد!"

در واقع از همان ابتدا، آن دو مجاهد والا مقام دریافته بودند که میان آغاز روند بیداری و خیزش تا لحظه به دست گرفتن زمام رهبری، فاصله بسیار است. امام خمینی می‌گوید: "هیچ عاقلی انتظار ندارد که تبلیغات و تعلیمات ما بزودی به تشکیل حکومت اسلامی منتهی شود. برای توفیق یافتن در استقرار حکومت اسلامی به فعالیت‌های گوناگون و مستمر نیاز داریم. این هدف نیاز به زمان دارد." و سید قطب می‌گوید: "من می‌دانم که فاصله میان آغاز رستاخیز تا به دست گرفتن رهبری، طولانی است، اما چاره ای جز رستاخیز اسلامی نیست. هر قدر هم مسافت میان آغاز رستاخیز تا به دست گرفتن رهبری طولانی باشد... چه رستاخیز اسلامی نخستین گام است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد." (۵۰)

در مرحله رستاخیز آیا می‌توان سازش کرد؟ آیا سوت و تقیه در مورد اصول دین جایز است؟ امام خمینی می‌فرماید: "فقه‌های اسلام به خاطر مقام فقهایی که دارند، باید بسیاری از مباحات را ترک کنند و از آن اعتراض نمایند. فقه‌های اسلام باید در موردی که برای دیگران "تقیه" است، تقیه نکنند. تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی‌کردند، اصل مذهب را باقی نمی‌گذاشتند. تقیه مربوط به فروع استف مثلاً وضو را این طور یا آن طور بگیر، اما وقتی اصول اسلام، حیثیت اسلامی در خطر

است، جای تقیه و سکوت نیست." (۵۱) و سید قطب می‌گوید: "این جاهلیت چه در گذشته و چه در حال حاضر لجنزار است... این حقیقت باید آن چنان در روح و جان ما ریشه بدواند و شفاف و نیرومند باشد که به هنگام ارائه اسلام به مردم، در گفتن حقیقت دچار لکنت زبان نشویم و مردم را در صحت گفتارمان به شک و تردید نیندازیم... ما با سوء استفاده از اسلام برای خودمان در بین مردم جانی را دست و پا نخواهیم کرد و با شهوات و پندارهای منحرف مدارا نخواهیم کرد... با آنان در نهایت صراحت سخن خواهیم گفت... این جاهلیت که شما در آن غوطه ورید، پاک نیست... این وضعیتی که شما در آن به سر می‌برید پستی است. ذلت و خواری است و خداوند می‌خواهد از باری که بر دوش ما سنگینی می‌کند، بکاهد و بر شما رحمتش را ارزانی داشته خوشبخت سازد... اسلام پندارها و اوضاع و خواست‌های شما را دگرگون خواهد ساخت و شما را به طرف زندگی دیگری سوق خواهد داد، بطوریکه خودتان داوطلبانه از این وضعی که در آن بسر می‌برید، روی گردان شوید.

... اگر شما تاکنون سیمای واقعی زندگی اسلامی را ندیده اید، دلش این است که دشمنان شما - دشمنان قسم خورده این دین - متحد شده‌اند تا نگذارند سیمای واقعی چنین حیاتی، تجلی یابد، ولی ما به یاری خدا این سیما را از خلال قرآنان و شریعتمان و تاریخمان و نگرش خلاقمان به آینده روشنی که در دستیابی به آن هیچ تردیدی نداریم، دیده ایم... باید به هنگام معرفی اسلام این چنین با مردم سخن بگوئیم... زیرا واقعیت امر همین است." (۵۲) و: "در اسلام چیزی وجود ندارد که از بابت آن شرم داشته باشیم و یا به خاطر دفاع از آن مجبور باشیم خودمان را در بین مردم جا بزنیم و یا در حین بازگو کردن آن برای مردم، به لکنت بیفتیم." (۵۳)

اما این طلایه داران چگونگی با مؤسسه‌های حکومت جائر برخورد خواهند نمود؟ و مردم را در مورد چگونگی برخورد با این مؤسسه‌ها به انجام چه چیزهایی دعوت خواهند کرد... تا مردم بتوانند از این طریق ایمان خود را استوار ساخته و از شرک خود را بیالایند؟ امام خمینی می‌فرماید: "روابط خود را با مؤسسات دولتی آنها قطع کنیم. ۲۰ با آنها همکاری نکنیم - ۳ از هر گونه کاری که کمک به آنها محسوب می‌شود پرهیز کنیم. ۴ - مؤسسات قضائی، مالی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جدیدی بوجود آوریم." (۵۴) و سید قطب می‌گوید: اسلام را نمی‌توان در چهارچوب‌های تئوری محض محدود نمود... افرادی که به اسلام می‌گروند و به این آئین ایمان آورده‌اند ولی تنها به عبادات می‌پردازند، حضور آنان در متن ساختار عضوی جامعه واپسگرایی موجود نمی‌تواند حضور عینی اسلام را از حالت "بالقوه" به حالت "بالفعل" درآورد... چه افرادی که از نظر تئوریک مسلمان قلمداد می‌شوند و در ساختار عضوی جامعه واپسگرا ذوب شده‌اند، بطور حتم همواره ناچار خواهند بود به خواسته و تمایلات این جامعه تن در دهند.

... بنابراین زیربنای تئوریک اسلام - ایدئولوژی - ناگزیر از همان ابتدا، بایستی در یک تجمع عضوی سازمان یافته، شکل گیرد. این تجمع مجزاً و مستقل، غیر از تجمع عضوی سازمان یافته "واپسگرا" است - هدف اسلام الغای موجودیت تجمع نوع دوم است - محور شکل گیری این تجمع جدید، سنت پیامبر خدا (ص) و پس از آن هر رهبری اسلامی است که هدف آن باز گرداندن مردم به الوهیت و ربوبیت و حاکمیت و شریعت خداوندی می‌باشد. هر کس به: لا اله الا الله، محمد رسول الله گواهی دهد، باید پیروی و تبعیت از تجمع سازمان یافته واپسگرا و رهبری آن را در هر شکل و قیافه ای که باشد قطع نماید. خواه به شکل رهبریت دینی پیشگویان، پرده داران بتخانه‌ها و یا جادوگران و... یا به شکل رهبریت سیاسی و اجتماعی و یا اقتصادی چون رهبریتی که "قریش" دارای آن بود. علاوه بر این، آن فرد بایستی تبعیت خود را منحصر در تجمع عضوی سازمان یافته اسلامی جدید و رهبریت مسلمان آن، محدود کند." (۵۵) این افراد مؤمن و بافضیلت - برحسب تعبیر امام خمینی - و طلایه داران مؤمن - برحسب تعبیر سید قطب - باید به راه خود ادامه دهند. "ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند و راه به دست آوردن آن را پیدا کنند." (۵۶)

بنابراین، ارگان‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی درونی "جامعه واپسگرا" باید به گونه ای متحول شوند که از جامعه مذکور بریده و بنیاد آن را برانندازند.

از طرفی تداوم بخشیدن به ارتباط با توده‌ها و برانگیختن آنان علیه طاغوت و دعوت آنها به راه حق، چه بسا به تحول فراگیر درونی جامعه و روی آوردن آن "بسیوی اسلام" منجر گردد.

به هرحال تجمع اسلامی "افراد مؤمن و بافضیلت" هرگاه تشکیل یابد، این حق شرعی را دارا خواهد بود که حکومت‌های ستمگر را با استفاده از تمام وسایل مشروع منهدم کند: "هرجا تجمع اسلامی موجودیت پیدا کند و قوانین الهی امکان تجلی بیابد، خداوند شکوفایی و پیروزی به آن می‌بخشد تا اینکه زمام قدرت را به دست گیرد." (۵۷) و: "شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک آمیز است لازمه اش همین فساد است که می‌بینید این همان فساد فی الارض است که باید از بین برود و مسببین آن به سزای اعمال خود برسند." (۵۸) و: "تصور اینکه یک مکتبی با اعلام رهاسازی انسان... - نوع انسان بر روی زمین

... - سراسر زمین، بخواهد به وسیله زبان و بیان، با موانع و مشکلات مقابله کند، ساده لوحانه است. این کار - یعنی مقابله به وسیله زبان و بیان - زمانی میسر می شود که شرایط گفتگوی آزادانه با افراد، بدون تحمیل هیچگونه پیش شرط‌هایی، فراهم شده باشد... چون لا اکره فی الدین وجود دارد...، اما وقتی که این موانع مادی عرض اندام کنند، لازم است با زور از میان برداشته شود. می توان قلب و عقل انسان رسته از غل و زنجیر را مورد مخاطبه قرار داد. (۵۹)

پس از برقراری حکومت اسلامی و برپائی جامعه اسلامی به رهبری مسلمانان و با اجرای قوانین اسلامی... باید اسلام به پیشروی خود ادامه دهد، زیرا: شاید روزی فرا رسد که دشمنان اسلام در آن ترجیح دهند با اسلام به شرط اینکه دخالتی در اعمال ناشایست آنها و به بردگی کشاندن انسان توسط انسان نکنند، مدارا نمایند!... لیکن اسلام اجازه سازش با این دشمنان را نمی دهد! مگر اینکه در برابر قدرتش سر تسلیم فرود آورند. (۶۰)؛ و: "چه بسا برخی از این دشمنان اسلام را بپذیرند. (۶۱) و: "ممکن است جامعه واپسگرا به طور کامل به اسلام بپیوندد و ممکن است چنین کاری صورت نپذیرد، همچنین ممکن است جامعه واپسگرا با جامعه جدید اسلامی ترک مخاصمه کند و یا بر ضد آن بجنگد. (۶۲).

اگر وحدت کشورهای اسلامی عملی شود مآلاً بایستی برای رهایی بشریت از خطوط فاسد و انحرافی اقدامی را صورت داد: "در حقیقت دفاع از "خطه اسلام"، دفاع از باور جامعه و خط مشی حاکم بر آن است. لیکن هدف غایی این نیست، بلکه پیامد دفاع از آن تشکیل مملکت الله است... خطه اسلام خاستگاهی است برای رهایی تمام سرزمین‌ها و آزادی تمام انسان‌ها، زیرا نوع انسان، موضوع این دین است و زمین میدان فعالیت آن است. (۶۳)

بنابراین، کار بدین منوال صورت می گیرد: طلایه دارانی که نیت خود را خالص برای خدا، نموده‌اند و سرنوشت خویش را طوری با سرنوشت اسلام گره زده‌اند که فقط مرگ می تواند این پیوستگی ژرف را بگسلد... گام‌های نخست را بر می دارند: "مسلمان پیش از آنکه جهت جهاد در راه خدا وارد کارزار شود، پیش تر مرحله جهاد اکبر را با نفس خود و با شیطان... با هوی و هوس... با چشمداشت‌ها و تمایلاتش... با منافعتش و منافع خانوادگی و قومیش را از سر گذرانده است و هر انگیزه ای، جز بندگی خدا و تحقق سلطه الهی بر روی زمین و برانداختن سلطه طاغوت غاصب را از مخیله اش بیرون ریخته است. (۶۴).

و: "لازم است خودمان را از لحاظ روحی و از حیث طرز زندگی کامل تر کنیم. باید بیش از پیش پارسا شویم و از حطام دنیوی رو بگردانیم... شما آقایان - خطاب به روحانیون - باید خود را برای حفظ امانت الهی مجهز کنید. امین شوید. دنیا را در نظر خود کوچک بدانید... نفوس خود را تزکیه کنید، متوجه به حق تعالی شوید. باتقوا و پرهیزکار باشید. (۶۵).

این پیشستانان و طلایه داران - افراد مؤمن و بافضیلت - که به پیش می روند، از نهادها و مؤسسه‌های طاغوت دوری گزیده‌اند و با مردمی که تحت سلطه طاغوت واقع شده‌اند ارتباط برقرار نموده‌اند... به پیش می روند تا مردم را از خواب غفلت بیدار کنند. مفاهیم دین را به مردم معرفی نمایند و فساد طواغیت و جنایت‌هایشان را افشا کنند و در این راه ذره ای از باور و اندیشه خود عدول نمی کنند و ترک مبارزه و سازش با جاهلیت را نمی پذیرند... هرگاه تجمع اسلامی برقرار شد و رشد نمود: "هرگاه به اندازه ای نیرومند شد که از پس فشار جامعه واپسگرایی قدیمی برآمد، آن موقع

با نیروی اعتقاد و قدرت خلاقیت و با خودسازی و تشکل و با سازندگی دسته جمعی، می تواند با فشار جامعه واپسگرا رویارویی نموده و بر آن غلبه کند و یا حداقل در مقابل آن پایداری و استقامت



▲ سید قطب

کند. (۶۶). یعنی هرگاه جامعه اسلامی به نقطه موجودیت برجسته و مستقل رسید، بایستی حکومت غضب شده الهی را باز پس گیرد. در فاصله موجود میان نقطه آغاز تا رسیدن به نقطه موجودیت والا و ارزشی، درگیری میان دو جامعه، ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و بر مدار و آهنگ این حرکت و در گیرودار نبرد، موقعیت هر فرد در جامعه اسلامی و تکلیف وی، روشن می شود.

پس از اینکه نهضت اسلامی حرکت خود را آغاز کرد و شروع به جذب افراد هوادار و طرفدار نمود و طلایه داران - افراد مؤمن و بافضیلت - تشکل پیدا کرده و در روند رستاخیز اسلامی گام نهاده و با بهره گیری از ابزارهای شرعی مبتنی بر این مقوله شرعی - هر چیزی که، تکلیف تنها با انجام آن تحقق می یابد یک تکلیف است - حکومت اسلامی در یک خطه جغرافیایی پا به عرصه وجود نهاد... در آن زمان، اسلام مآلاً برای برکناری طواغیت از اریکه قدرت و متحد کردن امت حرکت نموده سپس شتابان به سوی رهاسازی همه انسان‌ها به پیش خواهد رفت زیرا اسلام یک اعلام عمومی است: رهاسازی انسان در هر جایی که باشد. پرواضح است این خط مشی از بکارگیری روش کودتای نظامی و یا روش‌هایی از این قبیل پرهیز دارد... مبارزه به وسیله استدلال و بیان و برانگیختن، آغاز می گردد تا رسالت اسلام شناخته شود و آوازه دعوت کنندگان به اسلام، به عنوان الگو و "أسوه" اخلاق و شجاعت در افق بپیچد.

... این فقه نهضت است آنگونه که امام خمینی و سید قطب بیان کرده‌اند. امام خمینی علاوه بر طرح مسئله پیشسازی در جهاد و گزوم برکناری حکومتی که حدود و مقررات الهی را جاری نمی کند و ضرورت بازگرداندن حاکمیت به الله گام دیگری را نیز برمی دارد که اهمیت آن از موارد یاد شده دیگر کمتر نیست. این گام مهم در مورد ماهیت خط مشیی که برای رسیدن به حکومت اسلامی، تبعیت از آن از واجبات است. این گفته صحیح است که سید قطب از خطه ای برخاست که به "سنی بودن" معروف است و امام خمینی از خطه ای برخاست که به "شیعی بودن" مشهور است، اما گفتنی است که هر دو بزرگوار، با بینشی ژرف از این محدودیت‌های پیش آمده، به سوی صدر اسلام، روی آوردند و در دامن پیامبر(ص) و با حضور یاران گرمی ایشان، و اهل بیت مطهرشان در کمال ادب نشستند... و در زیر دست ایشان آموزش یافتند و به قرآن کریم گوش فرا دادند. گویی بر قلبشان نازل می شود. پس برای انجام فرامین الهی سر از پا نشناختند. اجتهاد این دو

بزرگوار بر حرکت به سوی الله مبتنی بود... اجتهاد این دو بزرگوار هر دو "حسینین" - شهادت و پیروزی - را تحقق بخشید، سید قطب به شهادت رسید و امام خمینی به پیروزی رسید.

همسویی روحی و همفکری عجیبی میان این دو بزرگوار موجود است که اگر بخواهیم به یک یک آنها بپردازیم، سخن به درازا خواهد کشید. در اینجا به ذکر نمونه ای از موضع آنها در قبال حکومت طاغوتی در ایران و مصر بسنده می کنیم. هنگامی که شایع کرده بودند که امام خمینی با طاغوت دست داده است، امام ضمن محکوم کردن این شایعه بی اساس، فرمود: "چگونه دستم را به سوی فردی دراز کنم که دستش، هفت دریا را نجس می کند؟

همین صحنه به هنگامی که از شهید سید قطب خواسته بودند که تقاضای تخفیف حکم اعدام خود را امضاء کند، تکرار گردید. او با محکوم کردن این عمل گفت: انگشت سبابه ای که در پنج موقع به وحدانیت الله گواهی می دهد، از اقرار یک کلمه در برابر گردنکشان، امتناع میورزند.

آری، امام قطب به شهادت نائل آمد و امام خمینی به پیش رفت و تکلیف را انجام داد. لذا بدیهی است که شاگردان سید قطب با انقلاب اسلامی بجوشند و به رهبر آن، همان عشق و علاقه ای را که به معلم شهید خود ابراز می داشتند، ابراز کنند، و در این بین دو مسئله حائز اهمیت است:

۱- این روزها محور نهضت جهادگرانه در کشورهای عربی، در نبرد و رویارویی با رژیم جاهلیت گراست. این حرکت در مصر و فلسطین و بسیاری از کشورهای عرب منبعث از اندیشه‌های معلم شهید "سید قطب" است.

۲- مقام دستداران معلم شهید والا تر از آن است که پیروان راستینش گرد مسائل طایفه ای و سخنان تفرقه برانگیز، بگردند. اینان بیش از سایرین با امام خمینی به عنوان یک عالم مجاهد نوپرداز و رهبر بی مثال، اتفاق نظر دارند.

آری، هنگامی که "عقب ماندگی" و واپسگرایی، حاکم شد، همگان در زیر گستره آن کمر خم کردند... و وقتی که نوید بیداری اسلامی از راه رسید، همگان از خواب غفلت برخاستند.

آری اینک نسلی اسلامی در حال آفریده شدن است که فرهنگ قرن‌های تثبّت را به یک سو نهاده‌اند و از روابط و علائق طایفه ای تنگ نظرانه، اعراض نموده، بر وابستگی خود بر صدر اسلام، همگام با نسل یکتای قرانی، تأکید میورزد. این وضعیت امروزین نسل رو به رشد انقلاب اسلامی است. که هم اکنون از فعال ترین جریانات حاضر در صحنه به شمار می آید... این یک فرصت تاریخی برای امت ما است، تا خود را هر چه زودتر از ستم رژیم‌ها و بندگی بندگان برهاند... طلایه داران امت نیز باید خود را از روابط بی مبنا و فرهنگ‌های تفرقه انگیز، در هر رنگ و جلوه ای که باشد، منزّه و پاک سازند.

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِأَخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ: - آنهاست که مدینه را خانه ایمان قرار دادند، کسانی را که به سوی آن‌ها آمدند دوست می دارند و در سینه خود هیچ چیزی بر ضد آن‌ها نمی یابند و اگر به چیزی نیازمند باشند، باز آنان را در آن چیز بر خود مقدم می دارند و هر کس که خود را از بخل و حرص دور بدارد، آنان در حقیقت رستگارانند. آنان که بعد آمدند، می گویند خدایا ما و آنانی را که پیش از ما ایمان

آورده‌اند، مغفرت خود را بفرست و در دل‌های ما هیچگونه کینه ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار نده که تو مهربان و بخشنایده‌ای.

منابع:

- (۲۲) معالم فی الطريق ص ۱۰۱
- (۲۳) حکومت اسلامی ص ۴۰
- (۲۴) معالم فی الطريق ص ۴۴
- (۲۵) همان منبع ص ۳۹
- (۲۶) همان منبع ص ۵۱
- (۲۷) حکومت اسلامی ص ۲۴
- (۲۸) همان منبع ص ۱۹۶-۱۹۵
- (۲۹) همان منبع ص ۱۹۶
- (۳۰) همان منبع ص ۲۰۲-۲۰۱
- (۳۱) همان منبع ص ۱۹۹-۱۹۸-۱۹۷
- (۳۲) فصل "سر منشأ جامعه اسلامی" از کتاب معالم فی الطريق، و حکومت اسلامی ص ۱۶ به بعد.
- (۳۳) معالم فی الطريق ص ۱۶۴-۲۲-۲۱
- (۳۴) حکومت اسلامی ص ۲۶ به بعد
- (۳۵) از قصیده ای به نام (هبل... هبل) سروده شهید قطب، هبل اشاره دارد به بزرگترین بت قریش.
- (۳۶) حکومت اسلامی ص ۴۰
- (۳۷) همان منبع ص ۲۰
- (۳۸) معالم فی الطريق ص ۵
- (۳۹) همان منبع ص ۶
- (۴۰) همان منبع ص ۱۲۵
- (۴۱) حکومت اسلامی ص ۲۰
- (۴۲) معالم فی الطريق ص ۶
- (۴۳) حکومت اسلامی ص ۱۳-۱۲ (باختصار)
- (۴۴) معالم فی الطريق ص ۱۶۶
- (۴۵) همان منبع ص ۱۱
- (۴۶) حکومت اسلامی ص ۵۲
- (۴۷) همان منبع ص ۵۴
- (۴۸) معالم فی الطريق ص ۸ و حکومت اسلامی ص ۴۵
- (۴۹) معالم فی الطريق ص ۸
- (۵۰) همان منبع ص ۱۱
- (۵۱) حکومت اسلامی ص ۱۷۴
- (۵۲) همان منبع ص ۴۰
- (۵۳) معالم فی الطريق ص ۱۱
- (۵۴) حکومت اسلامی ص ۱۸۳
- (۵۵) معالم فی الطريق ص ۹-۸
- (۵۶) حکومت اسلامی ص ۲۰۰
- (۵۷) همان منبع ص ۱۸۲
- (۵۸) معالم فی الطريق ص ۱۶۸
- (۵۹) همان منبع ص ۱۷۴
- (۶۰) همان منبع ص ۱۲
- (۶۱) حکومت اسلامی ص ۱۸۵
- (۶۲) همان منبع ص ۲۰۴
- (۶۳) معالم فی الطريق، گزیده‌هایی از ص ۵۵الی ص ۵۷
- (۶۴) حکومت اسلامی ص ۱۷۳
- (۶۵) معالم فی الطريق ص ۱۳۰
- (۶۶) همان منبع ص ۱۷۷
- (۶۷) حکومت اسلامی ص ۱۷۴
- (۶۸) معالم فی الطريق ص ۹۱
- (۶۹) حکومت اسلامی ص ۴۰
- (۷۰) معالم فی الطريق ص ۷۴
- (۷۱) همان منبع ص ۸۷
- (۷۲) حکومت اسلامی ص ۱۹۲
- (۷۳) معالم فی الطريق ص ۹۷
- (۷۴) همان منبع ص ۸۵
- (۷۵) همان منبع ص ۸۶
- (۷۶) همان منبع ص ۸۷
- (۷۷) حکومت اسلامی ص ۴۵-۴۴
- (۷۸) مجله الشهید: چاپ تهران، مقاله: "آلام الخميني"، شماره ۱۸۹، ص ۴۵
- (۷۹) معالم فی الطريق ص ۸۴
- (۸۰) حکومت اسلامی ص ۲۰۴-۲۰۳
- (۸۱) معالم فی الطريق ص ۹۸

گفت و گو با آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد رییس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم:

جامعه نقاد جامعه متعالی است



که ایراد می کردند در مقایسه با تقریری که خود ایشان یا افراد دیگر داشتند به نظر می رسد تفاوت عمیقی مطرح است. ولی آنچه بسیار جالب بود این است که به هیچ وجه نگاه تحقیرآمیزی به دانش فلسفه اسلامی نداشتند بلکه به عظمت فیلسوفان اسلامی بیشتر اذعان می کردند. هم در مباحث فلسفه مانند ابن سینا و فارابی و هم در مباحثی که از اصولیین مطرح

نازک ترین مرتبه هستی محسوب می شود، شناخت کل هرم هستی است. در این بیان هندسی، همه جهان هستی در هویت و تحقق از نوع یگانگی و وحدت شخصی و حقیقی در عین برخورداری از اختلاف مراتب و گوناگونی های چیستی بهره می برد. در فلسفه اسلامی بیان "و ما امرنا الا واحده" ناظر به همین مفهوم است و با توجه به تقسیمات و تعریفات

مقدماتی که در کتاب هرم هستی مطرح شده این تئوری هندسی طرح و بررسی شده است.

نگرش مرحوم حائری به فلسفه اسلامی و فلسفه غربی چگونه بود. ایشان آیا این دو را در تضاد یکدیگر می دید؟

حائری باور داشت که فلسفه غربی و فلسفه اسلامی آنطور که شایع است دو قطب متضاد نیستند بلکه آنها در حقیقت مسائل و نه در متدهای تعلیمی، تفاوت آشکار و سازش ناپذیری ندارند و برعکس این شهرت امکانات بسیاری موجود است که یک سازش و تفاهم عمیقی میان این دو گروه تفکر انسانی برقرار شود و ریشه ناسازگاری های شرق و غرب از میان برداشته شود. شاید گفته شود اینکه تفاوت آشکاری میان این دو گروه تفکر عقلانی در میان نیست در نظر بسیاری قابل قبول نباشد اما با طرح بحث های تطبیقی و گفت و شنودهای طرفینی معلوم می شود که راه خردمندان از هم جدا نیست.

مرحوم حائری یزدی نخستین فقیهی بودند که به دیار غرب رفتند و آشنایی کاملی به فلسفه غرب یافتند و گرایش خاصی هم به فلسفه تحلیلی داشتند، تصور می کنید آموخته های ایشان چقدر توانست نگاه ایشان به فلسفه سنتی و کلاسیک ما را تغییر دهد و اثرگذار باشد؟

در ابتدا باید تاکید کرد که حق ایشان باید حفظ شود. آقای حائری فلسفه تحلیلی را عمیق خوانده بود. افرادی که اکنون ادعای تبحر در فلسفه غرب می کنند بسیاری از آنها تاریخ فلسفه غرب را خوانده اند و اگر رساله و سوابق آنها را نگاه کنید می بینید که یکسری تاریخ فلسفه غرب است. بعد از مرگ حائری من احساس فقدان عجیبی می کنم. وقتی که به او مراجعه می کردیم این قبیل مسائل را تحلیل و روشن می کرد چرا که دستش پر بود. واقعا بعد از مرگ ایشان من احساس خلأ در کشور می کنم. مرحوم حائری در ابتدا که به غرب رفته بود متوجه شد سبک تبلیغی که در عصر حاضر استفاده می شود به هیچ عنوان کاربرد خود را ندارد و با به کار بردن شیوه هایی مانند سخنرانی و موعظه دیگر نمی توان کسی را مجذوب اسلام کرد. ایشان می گویند که من احساس کردم باید از مراکز دانشگاهی وارد شد و از موعظه علم اسلامی وارد شویم و اسلام و تمدن اسلامی را به عنوان یک گستره بسیار مهم معرفی کنیم. لذا برای این کار ما باید در ابتدا دانش غرب را خوب فرابگیریم و ایشان نیز از ابتدا شروع کردند در دانشگاه جورج تاون و میشیگان و سپس در کانادا فلسفه غرب را فراگرفتند. این زمانی بود که ایشان فلسفه اسلامی را در حد بسیار بالایی آموخته بود. بنده از حدود سال ۱۳۶۲ که ایشان به تهران آمدند و مستقر شدند در مباحثاتی که با مرحوم حائری داشتم احساس می کردم که یک بازخوانی نوینی در بیان فلسفه اسلامی در ایشان پدید آمده است. ایشان قبل از اینکه در مباحث غربی وارد شوند به اینگونه فلسفه اسلامی را مطرح نمی کردند. مثلاً بین برداشتی که ایشان در بحث وجود ذهنی داشت و استدلال هایی

گذراندند و رساله علم حضوری که تحلیل بدیعی از نظریه معرفت در فلسفه اسلامی، به صورت و فرم منطق جدید، محسوب می شود را ارایه کردند. از آثار دکتر مهدی حائری می توان به علم کلی (فلسفه مابعدالطبیعه)، کاوش های عقل نظری [مبادی فلسفه تطبیقی]، هرم هستی [رساله هستی شناسی و زیرساخت اندیشه فلسفه ایشان]، آگاهی و گواهی [ترجمه و شرح انتقادی "تصور و تصدیق صدرالمتالیهین"، کاوش های عقل عملی (فلسفه اخلاق)، تقریرات اصول آیت الله العظمی بروجردی، حکمت و حکومت [در فلسفه سیاسی] و متافیزیک (مجموعه مقالات) اشاره کرد. البته من با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران اخیراً برخی از آثار ایشان را منتشر کردم و در نظر دارم برخی از دست نوشته ها و آثاری که از ایشان به جای مانده را منتشر کنم.

گرایش فلسفی دکتر حائری یزدی چگونه بود و ایشان به کدامیک از مکاتب فلسفی علاقه مند بودند؟

مرحوم دکتر حائری یزدی به فلسفه اسلامی و ژرفای آن سخت باور داشتند. در این زمینه آثاری به رشته تحریر درآوردند و حتی صاحب نظریاتی هم بودند. ایشان در مقدمه کتاب علم کلی درباره فایده فلسفه می نویسند که انسان چه نیاز ذاتی و طبیعی به فلسفه دارد تا در راه به دست آوردن آن بذل جهد و صرف وقت کند. ایشان در پاسخ به این پرسش و سوالات دیگر، می گویند تا همچون بعضی متفلسفین معاصر سخنان دراز که احتمال گراف گویی دربر داشته به میان نیاورد. بلکه در سخنی موجز می گویند که اگر براستی فلسفه از حقیقت در هر مرتبه و به هر صورتی که هست بحث می کند و ماهیت آن درک حقیقت است پس دیگر راهی برای انکار آن متصور نیست. زیرا انکار فلسفه محصولی از انکار درک و حقیقت خواهد بود در حالی که نه حقیقت قابل انکار است و نه درک، و نه تعقل را که هسته مرکزی بشریت و فصل ممیز او از سایر حیوانات است می توان تعطیل کرد. به هر حال نگاه حائری به فلسفه نگاهی عمیق و بدیع است. درباره هستی شناسی پرسیدید بهتر است بگویم که استاد حائری بحث هستی شناسی را دانش برترین و برترین دانش های انسانی به معنای فراگیرترین دانش ها به لحاظ خصوصیت مفهوم وجود می دانست. ایشان بخش بندی ویژه ای در مساله هستی شناسی قابل بودند که عبارت بود از اطلاق قسمی و اطلاق مسمی. در این زمینه وجود مطلق و مطلق وجود را متمایز از یکدیگر می دانستند و معتقد بودند که بر مبنای این شناسایی حل بسیاری از مشکلات فلسفه شرق و غرب آسان شده و راه اندیشه هستی را برای استنباط و درک واقعیت یکتایی هستی هموار ساخته اند. استاد معتقد بودند که مراتب متفاوت هستی در هرم هستی شناسانه توحیدی ایشان در عین اختلاف و کثرت و گوناگونی ها و میناگری های ظهور و تجلیات از یک سو و اختلاف در شدت و ضعف و پیشی و پستی از سوی دیگر همه از یک وحدت ناگسستگی و این همانی عینی و تحقیقی سرچشمه می گیرد. تئوری هرم هستی و هستی شناسی توحیدی زیربنای تمام تئوری های دیگر استاد در مباحث جهان شناسی و جامعه شناسی و حقوق بشر و انسان شناسی و سیاست مدن و مباحث نفس است و لذا اهمیت بنیادی در میان آثار استاد دارد. جا دارد قدری در این باره توضیح دهم. در نظر استاد حائری ساخت هندسی و منطقی مفهوم را بیان می کند. در این سیستم، شناخت هر یک از پدیده ها حتی یک پدیده ناپایدار و تجربی هم در قاعده هرم هستی که

آیت الله سید مصطفی محقق داماد که هم اینک در آستانه شصت و اندی سالگی است از افراد و عالمانی است که به واسطه حضور در میان خانواده بزرگ روحانیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. او ارتباط نسبی با برخی از روحانیون دارد و حضور آنها را به خوبی درک کرده است. همینطور تحصیلات خود را در حوزه تا مقطع اجتهاد به پایان رسانده و تحصیلاتی هم در بخش حقوق بین الملل دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک داشت و دکترای خود را با عنوان "حمایت از افراد در دوران جنگ مسلحانه در حقوق بین الملل و حقوق اسلام" در سال ۹۵ از این دانشگاه دریافت کرد. گفت و گویی با ایشان درباره مرحوم آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی که دایی ایشان محسوب می شود انجام داده ایم. استاد محقق داماد مرحوم حائری را به خوبی درک کرده و از محضر ایشان بسی دانش ها آموخته است، با آرا و نظراتش آشنایی دارد و هم اینک آثار مرحوم حائری را که مدت های مدیدی از چاپ آنها گذشته بود دوباره منتشر کرده و در نظر دارد برخی از دست نوشته ها و مطالبی که از ایشان به جای مانده را مجدداً منتشر کند. مرحوم آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، منطقدان، اصولی، فقیه و فیلسوف برجسته معاصر از نخستین روحانیونی است که در دانشگاه ها و موسسات علمی خارج از کشور تدریس داشته است. ایشان فرزند آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس فقید حوزه علمیه قم است، سالگرد درگذشت ایشان بهانه ای است تا مروری کوتاه بر اندیشه های فلسفی ایشان داشته باشیم.

جناب استاد محقق داماد در ابتدا درباره مرحوم مهدی حائری یزدی، زندگی و برخی از آثار ایشان و اینکه چه ارتباط نسبی با ایشان دارید صحبتی داشته باشید تا به موارد دیگر بپردازیم.

آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، منطقدان، اصولی، فقیه و فیلسوف برجسته معاصر و می توان گفت از نخستین روحانیونی است که در دانشگاه ها و موسسات علمی خارج از کشور تدریس داشته است. ایشان فرزند آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس فقید حوزه علمیه قم است. آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، برای زیارت از اراک به قم رفت. ایشان از زمانی که مرجع شناخته شدند دو سفر به اراک از عتبات عالیات داشتند که در سفر دوم برای زیارت حضرت معصومه (س) به قم آمدند. علمای قم در آن زمان از ایشان درخواست می کنند که در قم بمانند و حوزه ای در قم تشکیل دهند. حوزه در سال ۱۳۰۱ تأسیس می شود. آقای مهدی حائری هم درست یکسال بعد از تأسیس حوزه علمیه قم متولد می شوند. چون مرحوم پدرشان در اراک بایک خانم اراکی ازدواج کرده بودند و وقتی که به قم آمدند آقای حائری به دنیا آمدند و ایشان دختری هم داشتند که مادر من از ایشان است. بنابراین آقای مهدی حائری دایی بنده می شود البته آقا مهدی آخرین فرزند آقا شیخ عبدالکریم است. ایشان حدود ۱۵ سال در قم تحصیل می کنند. عرفان و علوم نقلی و عقلی را نزد استادانی چون آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری، امام خمینی (ره)، میرزا مهدی آشتیانی، آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله حجت کوه کمره ای، آیت الله محمدتقی خوانساری و... آموختند. ایشان پس از دریافت درجه اجتهاد از سوی آیت الله بروجردی به عنوان نماینده ایشان به امریکا رفتند و در آنجا به تحصیل در رشته فلسفه غرب پرداختند. ایشان دوره لیسانس را در "جورج تلون"، فوق لیسانس را در "هاروارد" و دوره دکترا را در دو دانشگاه "میشیگان" و "تورنتو"

شده بود احترام خاصی قایل می شدند.

تصور می کنید بازخوانی اندیشه های حائری و عرضه مدل فکری حائری در عصر حاضر چه ثمری دارد؟

من معتقدم که پیام حائری این بود که جامعه ما جامعه ای نقاد باید باشد. جامعه مطیع به تمام معنا ارزشی ندارد. این جامعه به سوی رشد و تعالی نمی رود. جامعه ای که مدیرانش مردم را نقاد به بار آورند جامعه متعالی است. امیرالمومنین در نهج البلاغه می فرماید که اگر جامعه به گونه ای باشد که کسی بخواهد سخنی بگوید و زبانش بگیرد و در سخن گفتن آزاد نباشد این جامعه رستگار نمی شود.

فکر می کنید مرحوم حائری با دیگر مکاتب مانند عرفان چه روحیه ای داشت؟

حائری زندگی شخصی اش زندگی سلوک بود. تز دکترای او علم حضوری بود. یعنی اینکه علم حضوری برای حائری همان چیزی است که در سنت فلسفه اسلامی به آن شهود گفته می شود و حتی مورد توجه فلسفه ملاصدرا نیز هست. ایشان در این تز واقعا علم حضوری را مورد نقادی قرار داده است. معتقد بود عرفان عملی مبتنی بر عرفان نظری است. دکتر نصر که اینک یکی از مهم ترین نمایندگان سنت فلسفه اسلامی در غرب است درباره این کتاب می گویند که این کتاب جزو نخستین آثار متعلق به زبان انگلیسی و به قلم کسی است که علوم و معارف فلسفی را به شیوه های سنتی و کلاسیک آموخته. این کتاب نماینده ای است شایسته و عظیم القدر برای سنت فلسفه اسلامی به زبان فلسفه معاصر. جا دارد خاطره ای بگویم. مرحوم حائری یزدی می گویند وقتی که رساله دکترا را می نوشتند به صفحه ای از آثار ابن عربی برخوردند که نمی فهمند ابن عربی چه گفته است و آن صفحه را کپی کرده و برای استادش امام خمینی (ره) در نجف فرستاد و در آن نامه نوشت که خدامی داند اگر زیر این آسمان احساس می کردم که کسی غیر از شما ممکن است این را بفهمد برای او می فرستادم و شما برای من توضیح دهید که محی الدین چه می گوید. امام در نامه نوشتند و من آن نامه را دیدم که ذکر تنی بالعرفان جعل الله من العارفین. تو مرا دوباره به یاد عرفان انداختی و خداوند تو را از عارفین قرار دهد. مرحوم حائری با عرفان محسوس بودند اما به عرفان عملی توأم با نظری و دقیق و عمقی باور داشت. او معتقد بود کسانی که دم از عرفان می زنند و عمق علمی عرفان را نمی دانند سخن شان به جایی نمی رسد.

برای همین بود که نقدهایی هم به هائری کربن وارد کردند؟

ایشان معتقد بودند اینها عمق نظری عرفان اسلامی را نفهمیدند و ضربات شدیدی به اسلام و تفکرات دقیق اسلامی زدند. اینها می گفتند اصلاً فلسفه اسلامی، ثیاسوفی است و نه فیلاسوفی، ثیاسوفی چیزی است از سنخ دانستی های غیر علمی و نادقیق.

منوچهر دین پرست

منبع: روزنامه اعتماد

صدوقی امام جمعه صدوق یزد



▲ اقامه نماز بر پیکر حجت الاسلام والمسلمین صدوقی توسط حضرت آیت الله سید علی محقق داماد

اسلامی - به نمایندگی مردم یزد انتخاب شد. سپس به سمت نماینده امام(ره) در شورای عالی قضایی به فعالیت پرداخت.

وی در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد و پس از آن به معاونت شورای عالی قضایی، منصوب شد.

وی همچنین مدتی به عنوان معاون دادستان کل کشور به فعالیت پرداخت.

صدوقی پس از درگذشت آیت الله روح الله خاتمی در ۱۳ آبان ۱۳۶۷ از سوی امام خمینی(ره) به نمایندگی ولی فقیه در استان و امامت جمعه یزد منصوب شد.

وی ریاست بنیاد بزرگ دینی فرهنگی صدوق را پس از شهادت پدرش برعهده گرفت. سرپرستی حوزه علمیه یزد، رسیدگی به معیشت طلاب، کمک به خانواده های بی بضاعت، خانه سازی برای نیازمندان و بازسازی و مرمت حوزه علمیه یزد از فعالیت های اوست.

حجت الاسلام والمسلمین صدوقی سفرهایی را جهت انجام فعالیت های سیاسی به کشورهای بنگلادش، مالزی، کنیا، زیمبابوه، مکزیک، کوبا، یمن و کویت داشت.

وی روز شنبه مورخ ۹۰/۴/۱۱ شمسی پس از یک عمر مجاهدت و خدمات شایسته در سن ۶۲ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. روانش شاد و یادش گرامی باد.

پیامهای تسلیت مراجع، علما و شخصیت ها
در پی ارتحال حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد از سوی مراجع، علما، حوزه های علمیه و شخصیت های سیاسی و مذهبی پیامهای تسلیتی صادر شد. متن پیامها به این شرح است:

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت مرحوم حجت الاسلام صدوقی
حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد را تسلیت گفتند.

به گزارش خبرگزاری پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد و نماینده اینجانب در آن استان دار فانی را وداع گفته و یاران و کسان خود را داغدار ساخته است. رحمت و رضوان الهی بر او باد.

ایشان در منصب امامت جمعه فعالیت های فراوان و شایان تقدیر داشته و خدمات ارزشمندی به مردم مؤمن و انقلابی آن استان تقدیم نموده است و انشاء الله مایه جلب رحمت پروردگار به روان ایشان خواهد بود.

اینجانب این مصیبت را به خانواده و بازماندگان آن مرحوم و نیز به جامعه روحانیت یزد و عموم مردم با ایمان و وفادار آن سامان تسلیت عرض می کنم و برای خاندان گرامی صدوقی و دیگر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می کنم و به روح شهید آیت الله صدوقی که این روزها مصادف با سالگرد شهادت ایشان است درود می فرستم.

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد بدنبال ابتلا به بیماری قند و حاد شدن این بیماری، علی رغم تلاش پزشکان معالج، در سن ۶۲ سالگی در یکی از بیمارستان لا له تهران دار فانی را وداع گفت.

مراسم تشییع پیکر حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی فرزند سومین شهید محراب از مسجد ملا اسماعیل، میعادگاه نماز جمعه به سمت مسجد روضه محمدیه (حظیره) پایگاه انقلاب یزد برگزار شد.

پیکر امام جمعه یزد بعد از مراسم تشییع، در مسجد حظیره کنار آرامگاه سومین شهید محراب آیت الله صدوقی به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی صدوقی تنها فرزند ذکور سومین شهید محراب آیت الله صدوقی بود که طی ۲۳ سال اخیر بعد از رحلت آیت الله خاتمی در سنگر امامت جمعه و نماینده ولی فقیه به دور از هر گونه خط و خطوط سیاسی به پیروی از رهبرانقلاب حضرت آیت الله خامنه ای در حفظ وحدت و یکپارچگی مردم استان یزد کوشید و همواره بیت او همچون پدر بزرگوارش نیز ملجاء و پناه مردم استان یزد بود. امام جمعه یزد در سالروز شهادت پدر و درگذشت مادر بزرگوارش به دیدار معبود شتافت.

زندگی نامه حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی(رض)، فرزند محمد، نواده آیت الله میرزا ابوطالب کرمانشاهی، متولد عباس آباد قم نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد، سلسله نسبش به شیخ صدوق(ره) می رسد. پدرش آیت الله شهید محمد صدوقی(ره) از عالمان دینی برجسته قم و یزد بود. به گزارش شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، وی در کودکی به همراه پدر به یزد آمد و دوره ابتدایی را در دبستان ادب گذراند. سپس به توصیه پدر به تحصیل علوم دینی پرداخت و بخشی از مقدمات را در مدرسه عبدالرحیم خان نزد استادانی چون حجت الاسلام والمسلمین شیخ غلامحسین ابوبی نجف آبادی آموخت. آنگاه رهسپار حوزه علمیه قم شد و مقدمات را در مدرسه حقانی به پایان رساند.

صدوقی دروس سطح را در محضر حضرات آیات شب زنده دار، علوی گرگانی، محسن دوزدوزانی، صدیقین، سید کاظم اخوان مرعشی، محمد فاضل لنکرانی، جعفر سبحانی و ابطحی کاشانی فرا گرفت و پس از آن در حوزه درس خارج فقه و اصول حضرات آیات حسین وحید خراسانی، سید محمدباقر سلطانی، طباطبایی و... شرکت کرد.

وی با آغاز نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) در کنار پدر به فعالیت های سیاسی پرداخت و برای یاری دادن به شهید صدوقی و رسیدگی به امور دینی و جهت آگاه سازی مردم به شهرهای مختلف کشور سفر کرد.

همچنین در زمان اقامت امام خمینی(ره) در پاریس به فرانسه رفت و مدت سه ماه به فعالیت پرداخت و در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به همراه حضرت امام(ره) به ایران بازگشت.

حجت الاسلام والمسلمین صدوقی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی مسوولیت کمیته انقلاب اسلامی را به عهده داشت و عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. پس از واقعه هفتم تیر و شهادت سیدرضا پاکنژاد - نخستین نماینده مردم یزد در مجلس شورای

ایشان از خادمان به نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم بودند که در سالروز شهادت پدر بزرگوارشان دارفانی را وداع گفتند.

اینجانب ضمن عرض تسلیت این ضایعه به پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم، مقام معظم رهبری، خاندان و بیت مکرم صدوقی و مردم متدین و مومن استان یزد برای آن مرحوم رحمت و مغفرت در جوار شهادت و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.

پیام تسلیت جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم
(انالله و انالیه راجعون)

خبر درگذشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی (ره) نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه یزد موجب تأسف و تأثر گردید.

فرزند حضرت آیت الله صدوقی (ره) سومین شهید محراب که قبل از انقلاب همراه با والد گرامیشان در مبارزات علیه رژیم و بعد از انقلاب در سنگرهای گوناگون بخصوص در سنگر خطیر امامت جمعه حضوری فعال داشتند و مردم را به تقوا و دین داری دعوت می نمودند، همزمان با سالگرد شهادت پدر بزرگوارشان ندای حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافتند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درگذشت آن فقید سعید را به محضر مقام معظم رهبری "مدظله العالی"، بیت شریف شهید صدوقی، حوزه و عالمان و مردم شهیدپرور استان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال علو درجات را برای آن مرحوم و صبر و اجرا برای بازماندگان مسئلت می نماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

محمد یزدی

رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم

پیام تسلیت مدیر حوزه های علمیه

مدیر حوزه های علمیه نیز با صدور پیامی ارتحال حجت الاسلام والمسلمین محمد علی صدوقی نماینده ولی فقیه در استان یزد را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: مصیبت درگذشت شخصیتی که عمر خویش را در دفاع از حاکمیت همه جانبه ولایت و نظام جمهوری اسلامی و خدمات حوزوی و فرهنگی سپری نمود و در ادامه راه والد شهید، پناهگاهی برای مردم شریف و متدین آن منطقه به شمار می رفت، موجب تأثر و تألم گردید.

در این پیام افزوده شده است: اینجانب این مصیبت جانکاه را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر(عج) مقام معظم رهبری، روحانیت معظم، مردم عزیز و متدین و عالم پرور استان یزد و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می نمایم.

همچنین علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، احزاب مؤتلفه اسلامی، مردم سالاری، جامعه اسلامی مهندسين با انتشار پیامهای جداگانه ای درگذشت حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد را تسلیت گفتند.

پیام تسلیت حضرت آیت الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم
انالله و انالیه راجعون

خبر غم انگیز ارتحال حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد علی صدوقی آقازاده مکرم صدیق بزرگوار شهید محراب آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی رحمه الله علیه موجب تأسف شدید گردید.

آن مرحوم در روحانیت چهره ای درخشان و در شهر مذهبی و دارالعباد یزد به شخصه و با سوابق خاندان علمی و در سمت امامت جمعه، محبوب و مورد احترام بود.

ایشان و شخص والد شهیدشان در ولایت اهل بیت علیهم السلام و حفظ سنن ولایی دارای مواضع مشکوره بودند. حقیر این فقدان جبران ناپذیر را به بیت علم آیت الله صدوقی و خانواده مکرمشان و بیوت علمی وابسته و اهالی متدین و اصناف محترم یزد خصوصاً علمای اعلام و حوزه های علمیه آن استان تسلیت عرض می کنم. **تغمده الله تعالی بفرزانه**
لطف الله صافی

پیام تسلیت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

"انالله و انالیه راجعون"

ارتحال حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه یزد موجب تأسف و تأثر خاطر گردید.

درگذشت فرزند سومین شهید محراب آیت الله محمد صدوقی که در طول عمر پربرکت خود منشاء خدمات بسیاری برای انقلاب اسلامی به ویژه در خطه کویری یزد بود را به خاندان معزز صدوقی، علما، روحانیون و مردم شهیدپرور استان یزد و به ویژه جناب آقای سید محمد خاتمی تسلیت می گویم.

از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور علو درجات و برای بازماندگان به ویژه خانواده محترمشان صبر و اجر مسألت می کنم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیام تسلیت رئیس مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
انالله و انالیه راجعون

درگذشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمدعلی صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر یزد موجب تأسف و تأثر گردید.

مرحوم آقای صدوقی فرزند سومین شهید محراب حضرت آیت الله شیخ محمد صدوقی از سلسله جلیله روحانیت معظم بوده که همواره برای نشر و ترویج فرهنگ اسلامی و پیشرفت استان یزد تلاش داشتند.

برگزاری مراسم بزرگداشت امام جمعه فقید یزد در قم



خود بر این خدمات تکیه داشتند. وی، حجت الاسلام صدوقی را انسانی معتدل معرفی کرد و گفت: مرحوم صدوقی انسانی متواضع و معتقد بود هر چند از نظر سلیقه سیاسی با برخی از جریانات مخالف بود اما در طول این سال‌ها حرفی نزد که باعث ایجاد تنش و اختلاف شود.

امام جمعه قم با اشاره به خدمات فراوان ایشان و آیت الله صدوقی به حوزه علمیه افزود: همه روحانیون یزد و اقشار مختلف مردم ایشان را قبول داشتند و در واقع ایشان به گونه‌ای رفتار کرد که باعث ایجاد وحدت بین مردم و همچنین روحانیون بود.

آیت الله استادی با اشاره به تجلیل مردم یزد از مرحوم صدوقی در مراسم تشییع جنازه ایشان اظهار داشت: این گونه تجلیل‌ها باید برای مسئولان و غیر مسئولان درس باشد که نمی‌توان هیچگاه مردم را از روحانیت جدا کرد. آیت الله استادی در ادامه از نامه اخیر رئیس جمهور مبنی بر جلوگیری از طرح تفکیک جنیستی در دانشگاه‌ها انتقاد کرد و ابراز داشت: چهار نفر دلسوز بعد از مشاوره و تلاش فراوان، به این نتیجه رسیدند که برای کاهش فساد و بدحجابی در دانشگاه بین دختر و پسر تفکیک

مراسم بزرگداشت امام جمعه فقید یزد از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه در مسجد اعظم قم برگزار شد.

مراسم بزرگداشت حجت الاسلام والمسلمین صدوقی امام جمعه فقید یزد شنبه در مسجد اعظم قم و از سوی جامعه مدرسین و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برگزار شد، مراجع تقلید و آیات عظام سبحانی و شبیری زنجان و حجت الاسلام محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، آیت الله ابراهیم امینی، امامان جمعه قم، آیت الله مقتدایی مدیر حوزه‌های علمیه، نمایندگان بیوت مراجع عظام تقلید، تعدادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه و مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی و اقشار مختلف مردم حضور داشتند.

آیت الله استادی عضو جامعه مدرسین حوزه در این مراسم در سخنانی با تجلیل از شخصیت حجت الاسلام صدوقی امام جمعه فقید یزد اظهار داشت: ایشان دارای ویژگی‌های یک روحانی موفق بود.

وی با بیان اینکه مرحوم صدوقی همواره به فکر خدمت به مردم بود، افزود: ایشان و پدر شهیدشان خدمات بسیاری را به مردم یزد ارائه کردند که رهبر معظم انقلاب نیز در پیام تسلیت

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی:

دکانهای مریدپروری ریشه برخی نحله‌ها



رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با تأکید بر گرایش ذاتی انسان به جمع میان زندگی مادی و معنوی، خلأ معنویت مطلوب اسلامی در جامعه را زمینه ساز ایجاد عرفانه‌های نوظهور دانست. وی حجم تبلیغاتی را سومین عامل گرایش برخی به سمت محافل معنویت گرای جدید

خواند و گفت: یک حجم تبلیغاتی در راستای معرفی این نحله‌ها وجود دارد و با ظرفیت خاصی در پی نشر این مسائل هستند که جای توجه دارد.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی، در مورد ریشه جنبشهای نوپدید دینی گفت: عوامل چندی در کنار هم موجب بروز گرایش بخشی از جامعه به عرفانه‌های نوظهور می‌شود و بخشی از این عوامل مهم و تأثیرگذار هستند و برخی در حاشیه این جریان را تقویت می‌کنند.

وی افزود: عامل اول این است که در انسان یک گرایش معطوف به معنویت وجود دارد و سکون و آرامش خود را در غوغاهای مادی می‌بیند. شبیه آنچه در زمان گذشته نسبت به بت پرستی بود. حس خداجویی انسانها آنها را برمی‌انگیخت که به سمت خدا بروند و چون تشخیص دقیقی نسبت به خدای حقیقی نداشتند و یا عوامل انحرافی دخالت داشت نمی‌توانستند خدای واقعی را بشناسند. بت پرستی از یک خاستگاه درست بر می‌خواست اگرچه خود بت پرستی درست نبود و برخی عوامل منتهی به گرایش به سمت عرفانه‌های نوظهور، معنویت خواهی بود یعنی خاستگاه درست است اما مسیر یا انتخاب نادرست است.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس به دومین عامل گرایش بخشی از جامعه اشاره کرد

کنند، اما متأسفانه رئیس جمهور نامه داده که این طرح عالمانه نیست. وی افزود: برای نظام اسلامی خوب نیست که فساد در آن وجود داشته باشد، بخشی از این فساد در دانشگاه است، اما اینکه رئیس جمهور جلوی دلسوزان را برای مقابله با این فساد در دانشگاه‌ها بگیرد بد است، زیرا نظام ما اسلامی است و همه تلاش‌ها باید برای متدین کردن جامعه باشد، و نباید نسبت به امور فرهنگی و مذهبی بی‌توجه بود، چرا که در این صورت همه زحمات نیز از بین می‌رود.

آیت الله استادی در ادامه با بیان اینکه در طول تاریخ تنها قشری که جلوی انحرافات را گرفته و از مکتب اهل بیت (ع) دفاع کرده، روحانیت بوده است، اظهار داشت: روحانی برای تأثیرگذاری در جامعه باید معتدل باشد، یک روحانی نباید چاپلوس و اهل افراط و تفریط باشد، نباید نان به نرخ روز بخورد و یا از دشمن غافل شود بلکه باید برای دفاع از دین و انقلاب در صحنه حاضر باشد. یک روحانی نباید اگر با کسی مخالف است و یا تصور می‌کند کسی راه اشتباه می‌رود اخلاق اسلامی را زیر پا بگذارد، بلکه باید به هوش باشد و بداند که موضع گیری و گفته‌های او چه آثار و نتایجی به همراه دارد.

عرفانی نوظهور این فضای خالی را ایجاد می‌کنند. در واقع ایجاد خلأ معنوی در جامعه خدمتی برای حضور نحله‌های انحرافی معنویت گرا و عرفانه‌های نوظهور است. وی یادآور شد: علاوه بر این مباحثهای فنی مربوط به معرفت عرفانه‌های نوظهور را در سطح گسترده و برنامه ریزی شده و پژوهشی کم داریم و باید برای حل آن ستاد فراگیر و چندوجهی به معنای دقیق تشکیل شود تا از موازی کاری به سمت انسجام کاری برویم. ما چیزی از حیث معرفت عرفانه‌های اصیل کم نداریم و از سویی زمینه‌های رسواسازی عرفانه‌های کاذب نیز کم نیست اما باید این مسائل جهت یافته و دقیق باشد و از طرفی این ستاد زمینه مطالعاتی عرفانه‌های دقیق اسلامی و معرفی معنویت منعطف اسلامی را ایجاد کند تا جوانان به دام این عرفانه‌های کاذب نیفتند.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در پاسخ به این سؤال که آیا ریشه نحله‌های معنویت گرای جدید در خارج است یا در داخل و به باورهای خرافی جامعه باز می‌گردد، گفت: بر دو دسته هستند بخشی از آنها عرفانه‌های وارداتی است اما عده‌ای در پی گسترش آن در جامعه هستند و بخشی از آنها داخلی است که یا ریشه در خرافات دارد و یا ریشه در باز کردن دکانهای مریدپروری دارد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در پایان تأکید کرد: آنچه در ایران است چون به شکل خلق الساعه‌ای است ریشه در خرافه سازی و اوهام و فریبکاری و شیادی افراد دارد اما زمینه اصلی گرایش به این مسئله جهل، خرافه و معنویت خواهی انسانها است که انسان در مصادیق دچار اشتباه می‌شود و یا احیاناً خلأهای معنوی است که موجب رشد این اوهام خرافات می‌شود.

منبع: خبرگزاری مهر

انتقاد حضرت آیت الله مکارم شیرازی

از رئیس جمهور به خاطر

«ممنوعیت طرح تفکیک جنیستی»



حضرت آیت الله مکارم شیرازی از نامه اخیر رئیس جمهوری به وزرای علوم و بهداشت ابراز تأثر کرده و ضمن انتقاد از متوقف کردن اجرای طرح تفکیک جنیستی در دانشگاهها اظهار داشت: ما باید تفکیک جنیستی را هم برای دین خود و هم برای پیشرفت علمی بیشتر جوانانمان عملی کنیم.

به گزارش خبرگزاری فارس، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی گفت: یکی از روایات فراوانی که از امام سجاده (ع) رسیده روایتی است از ابوحمزه ثمالی که در جلد ۷۵ بحار الانوار صفحه ۱۴۷ نقل شده و امام در یک برنامه چهار ماده‌ای می‌فرمایند: اگر فرزند آدم اگر چهار عمل را انجام دهی همیشه در خیر می‌مانی؛ داشتن واعظ درونی و وجدان بیدار، حساب رسی از اعمال خود و اینکه ترس از شیطان و هوای نفس را لباس زیرین خود کنی و اینکه پشیمانی بر گناهان و خطایای خود را و جبران آن‌ها را لباس روین خویش قرار دهی.

ایشان افزود: در تبیین این حدیث مقدمه‌ای را لازم می‌دانم و آن اینکه خداوند انسان را برای رسیدن به فلاح و سعادت آفرید و برای اینکه انسان به این مقام برسد در عالم هستی برای انسان پنج واعظ در کنار پیامبران و بندگان صالح خود و موعظه‌گر قرار داده است؛ در وهله نخست، تاریخ است که مملو از عبرت‌ها است؛ قرآن در آیه ۱۱۰ سوره یوسف به این مورد اشاره داشته و این سوره عبرت است برای انسان تا بفهمد که قدر و اقتدار و ثروت در دنیا ماندگاری ندارد. قرآن کریم در جای دیگر تاریخ را هم در مورد این واعظ بیان می‌کند آنجا که درباره داستان ابراهیم می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ»، البته این گروه بت پرست بعد از اینکه به وجدان خود مراجعه کردند باز به عقاید پلید خود بازگشتند.

این مرجع تقلید با بیان اینکه اگر وجدان عمومی جامعه بیدار باشد و همه بدی را بد بدانند و خوبی را خوب تشخیص دهند مشکلات جامعه حل می‌شود، اظهار داشت: وقتی یک عمل زشت کوچک تکرار می‌شود، کم کم قبح آن از بین می‌رود و در نگاه افراد گناهان بزرگ هم کوچک جلوه می‌کند.

ایشان افزود: خبری را امروز شنیدم که بسیار متاثر شدم و آن اینکه وزیر علوم که بنده از شجاعت و درایت ایشان مطلع هستم، قصد داشتند دو طرح را اجرا کنند، اول اینکه برخی از اساتید دانشگاه‌های ما - البته اکثر اساتید ما از این جریان به دورند - در کلاس‌های درس خود اصول دین و مذهب را زیر سوال می‌برند و با این کار امید را در دل دانشجویان از بین می‌برند، تصمیم گرفته‌اند که آن‌ها را بازنشسته کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی گفت: دومین اقدام ایشان، این است که دختران و پسران را در دانشگاه‌ها به تدریج و از پایه از هم جدا کنند. در آلمان این کار را انجام دادند تا به بازده علمی بیشتری دست یابند. آن‌ها به مسایل شریعت و دین کاری ندارند اما ما باید این کار را هم برای دین خود و هم برای پیشرفت علمی بیشتر جوانانمان عملی کنیم. اما متأسفانه برخی مسوولین از بالا دستور دادند نباید چنین کاری را انجام دهید. اولاً نباید دست به اساتید بزنید و ثانیاً مساله جدا سازی یک امر سطحی و غیر حکیمانه است، شنیدن اینگونه مسایل انسان را ناامید می‌کند.

ایشان تأکید کرد: کسی که در درس خود در میان جوانان اسلام را زیر سوال می‌برد باید برکنار شود چرا که خطری برای جامعه است. گفتنی است رئیس جمهور در نامه‌ای به وزیر علوم خواهان توقف بازنشستگی اساتید و اجرای طرح تفکیک جنیستی در دانشگاه‌ها شده بود.

رهبر انقلاب در دیدار اساتید و کارشناسان تخصصی مهدویت:

تطبیق برخی علائم ظهور بر اشخاص اقدامی غلط و انحرافی است



تاریخ برخی علائم ظهور را بر خود یا دیگران تطبیق می‌دادند، افزودند: همه این موارد غلط و انحرافی است زیرا برخی مطالب درباره علائم ظهور، غیرقابل استناد و ضعیف است و مطالب معتبر را هم نمی‌توان براحتی تطبیق داد.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اینگونه مطالب غلط و انحرافی، باعث می‌شوند، حقیقت اصلی مهدویت و انتظار مهجور بماند، بنابراین، باید به شدت از کارها و شایعات عوامانه پرهیز کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: البته کار عالمانه و مستند درباره موضوع مهدویت و انتظار نیز بر عهده اهل فن و متخصصانی است که علم حدیث و رجال را به خوبی می‌دانند و با مسائل و تفکرات فلسفی آشنایی کامل دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین خصوص افزودند: فرد منتظر باید همواره خصوصیات و ویژگیهای لازم دوران مورد انتظار را در خود حفظ و تقویت کند و این انتظار، به گونه‌ای است که از یک طرف، هیچگاه نباید آن را طولانی مدت تصور کرد و از طرف دیگر هیچگاه نباید آن را بسیار نزدیک دانست.

ایشان با اشاره به ویژگیهای دوران ظهور حضرت صاحب‌الزمان (عج)، تأکید کردند: دوران آن حضرت، دوران حاکمیت توحید، عدل، حق، اخلاص، و عبودیت خدا است، بنابراین افراد منتظر نیز باید همواره خود را به این ویژگی‌ها نزدیک کنند و به وضع موجود راضی نباشند.

سومین نکته‌ای که رهبر انقلاب اسلامی در موضوع مهدویت به آن اشاره کردند، ضرورت انجام کارهای عالمانه، دقیق و مستند بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: یکی از خطرهای بزرگ در موضوع مهدویت، کارهای عامیانه، جاهلانه، غیرمستند و متکی بر تخیلات و توهمات است که زمینه ساز مدعیان دروغین و دوری مردم از حقیقت واقعی انتظار خواهد شد.

ایشان با اشاره به مدعیان دروغینی که در طول

حقیقی توحید، معنویت، دین و عدل بر شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اگر مهدویت نباشد، همه تلاش‌ها و مجاهدت انبیاء بی‌فایده و بی‌اثر خواهد بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به موضوع مهدویت در ادیان الهی نیز اشاره کردند و افزودند: در همه ادیان الهی، تقریباً کلیاتی از حقیقت مهدویت بیان شده اما در اسلام، این موضوع از مسلمانات است و در میان مذاهب اسلامی نیز، شیعه، موضوع مهدویت را با مصداق روشن و جزئیات خانوادگی و شخصیتی فرد مورد انتظار که از روایات معتبر و مستند شیعه و غیر شیعه، به دست آمده، مطرح می‌کند.

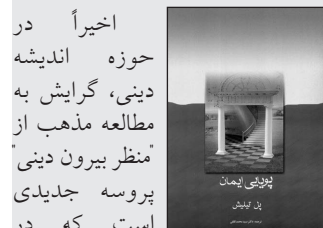
رهبر انقلاب اسلامی بعد از تبیین اهمیت موضوع مهدویت و جایگاه آن در ادیان الهی و مذاهب اسلامی، به موضوع انتظار به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر مهدویت اشاره و خاطرنشان کردند: انتظار به معنای مترصد یک فرد زنده و حقیقت قطعی بودن، است و این معنا از انتظار، لوازمی دارد که از جمله آن‌ها، آماده شدن روحی و درونی و همچنین اجتماعی انسان برای دوران متوقع و با شرایط ویژه آن است.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به مدعیان دروغینی که در طول تاریخ برخی علائم ظهور را بر خود یا دیگران تطبیق می‌دادند، افزودند: همه این موارد غلط و انحرافی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از اساتید، کارشناسان، مؤلفان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، با اشاره به اهمیت بسیار بالای موضوع مهدویت به عنوان هدف حرکت و مجاهدت انبیاء در طول تاریخ، انتظار را بخش جدایی‌ناپذیر موضوع مهدویت دانستند و تأکید کردند: یکی از موارد مهم و ضروری در مقوله مهدویت، افزایش کارهای عالمانه، دقیق و متقن به دست اهل فن و متخصصان واقعی این موضوع و پرهیز از کارهای عامیانه، جاهلانه، غیرمعتبر و براساس تخیلات و توهمات است.

ایشان در سخنان خود، ابتدا به تبیین اهمیت موضوع مهدویت پرداختند و با تأکید بر اینکه مهدویت در شمار چند مسئله اصلی معارف عالیه دینی است، افزودند: هدف حرکت انبیاء و بعثت‌ها، پایه ریزی جهانی با چارچوب توحیدی و براساس عدالت و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود در انسان است و دوران ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نیز، دوران حاکمیت

معرفی کتاب پویایی ایمان



اخیراً در حوزه اندیشه دینی، گرایش به مطالعه مذهب از "منظر بیرون دینی" پروسه جدیدی است که در عرصه مطالعه مذهب آغاز شده است. گرچه این روش در میان دانشمندان مغرب زمین مدت زیادی است که در جریان است اما در ایران اسلامی و در دیگر کشورهای اسلامی یک تلاش علمی - پژوهشی نوینی است که از عمر آن شاید دو دهه می‌گذرد.

کتاب پویایی ایمان اثر پل تیلیش Dynamics of Faith Paul-Tillich کتاب قابل توجهی است که توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد ثقفی به فارسی ترجمه شده است و در عرصه فلسفه دین و دیگر مسائل مطالعه مذهب از منظر بیرون دینی چاپ شده است. این عناوین در فهرست کتاب پویایی ایمان عنوان شده‌اند:

۱- دین و زندگی هدفدار. ۲- ایمان چیست؟ ۳- ایمان چه چیز نیست. ۴- سمبل‌های دینی. ۵- سمبل‌ها و اسطوره‌ها. ۶- نقش اسطوره در عملکرد ایمان. ۷- حقیقت ایمان. ۸- ویژگی علم. ۹- همبستگی مذهب و فلسفه. ۱۰- ایمان و ثبات شخصیت. ۱۱- ایمان، عشق - عمل. ۱۲- تمایز عشق یونانی با عشق توحیدی. ۱۳- جامعه ایمانی و توصیف آن. ۱۴- رویارویی مذهب با مذهب. ۱۵- ضرورت و لزوم عقیده مند بودن در عصر حاضر. کتاب در ۱۵۴ صفحه در ۱۰۰۰ نسخه به وسیله انتشارات بهمن آراء و به ارزش ۱۹۰۰ تومان چاپ شده است.

۱- انقلاب اسلامی در کرمانشاه (جلد اول و دوم): کرمانشاه از کانون



های مهم، تأثیرگذار، سرنوشت ساز و پرحادثه در انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. شناخت تحولات تاریخی آن در روزهای انقلاب بخشی عظیم از روایت داستان انقلاب اسلامی است؛ داستانی که عناصر و نقش آفرینان آن تمام آرمان‌ها، ایده‌ها، اعتقادات، ایمان و افکار خود را در آن به نمایش گذاشته‌اند. این کتاب تنها پاره‌ای از این داستان عظیم را در آن منطقه بازگو می‌کند نه تمام آن؛ چراکه هنوز محدودیت‌های زمان و منابع اجازه و امکان حصول به تمام داستان را فراهم نمی‌سازند، لیکن این راهی است که بایستی آغاز می‌شد. این کتاب گوشه‌هایی از حدیث طولانی و پرتکاپوی انقلاب و انقلاب سازان را در آن منطقه روایت می‌کند و امید است که مقدمه‌ای مؤثر برای شناخت و ادامه این راه باشد.

۲- سیاست خارجی اسلام گرایان ترکیه: پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه، در انتخابات پارلمانی ترکیه و تشکیل یک حکومت قدرتمند به رهبری رجب طیب اردوغان فضای جدیدی را در عرصه سیاست خارجی این کشور به وجود آورده است. در سطح منطقه، ترکیه تلاش می‌کند به یک الگوی

اقتصادی و سیاسی برای کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شود. اسلام گراهای سعی دارند تلفیقی از اسلام و دموکراسی را به عنوان الگو ارائه داده یا به تعبیر دیگر نشان دهند که اسلام مخالف دموکراسی نیست. در سطح فرمانطقه‌ای نیز اتحادیه اروپا خواهان تداوم اصلاحات در ترکیه است که



نتیجه آن تقویت اسلام گرایان و روند اسلام‌گرایی در این کشور می‌باشد.

۳- ابوزر انقلاب: این اثر از



مجموعه دانستنی‌های انقلاب برای جوانان می‌باشد که زندگی و مبارزات آیت‌الله طالقانی را بیان می‌نماید.

۴- نقش انگلیس در فتنه ۸۸: حماسه انتخابات دهم ریاست جمهوری بازتاب‌های گوناگونی در جهان از جمله انگلیس داشت. دخالت‌های آشکار مقامات رسمی و غیر رسمی این کشور در سطوح عالی نظیر نخست‌وزیر، وزیر

امور خارجه، پارلمان، سرویس امنیتی آن کشور، سفارت انگلیس در تهران و رسانه‌های تحت امر دولت انگلیس مانند سرویس جهانی بی‌بی‌سی در قبال این حماسه بزرگ از جوانب مختلف قابل تحلیل و ارزیابی است. در این جریان کارکرد تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی در قبال حوادث پس از انتخابات ایران از یک رسانه مستقل و یا نیمه مستقل، به یک رسانه صرفاً معارض و مخالف تبدیل شد.

۵- نفت و سیاست خارجی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۵۷): نفت در سیاست خارجی جدید



ایران پس از انقلاب اسلامی، از جایگاه خاصی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که سیاست‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر کلی سیاست خارجی آن قرار گرفت. به علاوه ابرقدرت‌های غرب و شرق برای جلوگیری از تکرار تجربه ایران در نظام دوقطبی، تمام تلاش خود را برای شکست آن به کار گرفتند که یکی از این سیاست‌های تقابلی، در شیوه رفتار آنها با سازمان اوپک و نفت ایران به مثابه مهم‌ترین منبع مالی کشور تجلی یافت. این اثر تلاش کرده در قالب یک چارچوب نظری تعامل این دو مؤلفه مهم اقتصادی و سیاسی را مورد مطالعه قرار دهد.

۶- حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی: بررسی حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم این قوانین یکی از بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق افراد را مطرح می‌سازد و با درج در قوانین اساسی و اسناد و معاهدات بین‌المللی، ضمانت اجرایی یافته است. مقایسه تطبیقی قانون اساسی مشروطه با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تفاوت‌ها و مشابهت‌های این دو قانون را در زمینه حقوق ملت نشان دهد و روشن سازد که این دو قانون از نظر مبانی و ویژگی‌ها و بنیان‌ها متفاوت هستند.

مجموعه سایت‌های مرکز:
سایت مرکز بررسی‌های اسلامی
www.iscq.ir
سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org
سایت سید جمال‌الدین اسدآبادی
www.moslehesargh.com

بعثت
نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسروشاهی
سردبیر:
سید محمود خسروشاهی
دفتر مرکزی:
قم: خیابان شهدا (صفائی) نیش ممتاز
تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳
صندوق پستی: ۱۳۶
چاپ: مینایی
پست الکترونیکی:
Besatonline@gmail.com